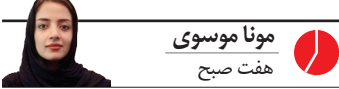


گزارشی درباره کارگران ماهر ساختمانی وصنعتی که به دلیل فشار اقتصادی، نبود بیمه و تورم بالا به مشاغل خدماتی مهاجرت کرده‌اند

نیم میلیون کارگر بی پناه

در حالی که تورم به ۴۵ درصد رسیده و حقوق‌ها عقب‌تر از واقعیت اقتصادی حرکت می‌کنند، بیش از ۵۰۰ هزار کارگر ساختمانی فاقد بیمه‌اند



مونا موسوی

هفت صبح

امسال تورم دوباره به مرز ۴۵ درصد رسید، در حالی که حقوق و دستمزد‌ها با افزایشی کمتر از این نرخ، افزایش داشته‌است، به همین دلیل کارگران با مشکلات معیشتی خود دست‌وپنجه نرم می‌کنند؛ در چنین شرایطی قطع ناگهانی بیمه کارگران ساختمانی و فصلی در جریان بازرسی‌های تأمین اجتماعی به دغدغه‌های آنها افزوده‌است. در حالی که دولت وعده داده بود با خروج اتباع از بازار کار ساختمانی حمایت بیشتری از کارگران ایرانی می‌کند.

بر اساس آخرین گزارش‌های رسمی و صنفی، وضعیت کارگران ساختمانی و تولیدی در ایران از نظر تعداد و پوشش بیمه‌ای همچنان با چالش‌های جدی مواجه‌است. در بخش کارگران ساختمانی، حدود ۱۵ تا ۱۶ میلیون نفر در کشور مشغول به فعالیت هستند، اما تنها حدود ۷۶۰ هزار نفر از آن‌ها تحت پوشش بیمه تأمین اجتماعی قرار دارند. این یعنی بیش از ۵۰۰ هزار نفر فاقد بیمه‌اند و برخی منابع این رقم را تا ۸۰۰ هزار نفر نیز برآورد کرده‌اند. این آمار نگران‌کننده نشان می‌دهد که تقریباً نیمی از کارگران ساختمانی کشور بدون هیچ‌گونه حمایت بیمه‌ای در مشاغلی پرخطر فعالیت می‌کنند؛ مشاغلی که بیشترین سهم را در حوادث کار دارند و نیازمند پوشش حمایتی فوری هستند.

در حوزه کارگران تولیدی یا صنعتی، آمار تفکیکی و دقیق کمتر در دسترس است، اما برآوردها حاکی از آن است که از مجموع حدود ۲۴ میلیون نفر شاغل در بخش‌های مختلف اقتصادی کشور، بخش قابل توجهی در حوزه تولید و صنعت فعالیت دارند. طبق داده‌های وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، حدود ۱۴ میلیون نفر تحت پوشش بیمه تأمین اجتماعی هستند که شامل کارگران رسمی، قراردادی و برخی مشاغل آزاد می‌شود. با این حال، به دلیل سهم بالای اشتغال غیررسمی در ایران، میلیون‌ها نفر از کارگران تولیدی نیز فاقد بیمه‌اند، به‌ویژه آن‌هایی که در واحدهای کوچک، کارگاه‌های غیررسمی یا مشاغل فصلی فعالیت می‌کنند.

وعده مسئولان برای حل معضل بیمه

معضل بیمه، اگرچه بارها از سوی مسئولان تأمین اجتماعی به‌عنوان «موضوع قابل اصلاح» مطرح شده، اما در عمل، بسیاری از کارگران گزارش داده‌اند که پس از تأیید اشتباه بودن قطع بیمه، روند بازگشت آن‌ها

گزارش

گزارشی از بازار پرابهام تلفن همراه که با رجیستری‌های صوری، اظهارات خلاف واقع، قاچاق، فرار مالیاتی و سوءاستفاده گسترده همراه است

آیفون، نماد قاچاق پنهان

بیش از ۲۴۷ هزار دستگاه به ارزش ۱۸۸ میلیون دلار در ۴ ماهه نخست ۱۴۰۴ به صورت مسافری وارد کشور شده است

گروه اقتصادی | بازار تلفن همراه در ایران به‌واسطه حجم بالای تقاضا، ارزش ارزی بالاها و پیچیدگی‌های وارداتی به یکی از پریسک‌ترین و پرتخلف‌ترین حوزه‌های تجاری کشور تبدیل شده‌است. از رجیستری‌های صوری و واردات مسافری تا اظهار خلاف واقع در واردات تجاری، مجموعه‌ای از رفتارهای غیرشفاف و سودجویانه شکل گرفته که منجر به فرار مالیاتی و تضییع حقوق عمومی شده و مسیر تخصیص ارز رسمی را نیز دور زده است. در چنین شرایطی، تمرکز دستگاه‌های نظارتی بر این بازار نه یک انتخاب، بلکه یک ضرورت فوری برای حفظ انضباط مالی و عدالت اقتصادی است.

طبق گزارش‌های اخیر بازار تلفن همراه ایران طی سال‌های گذشته به بستری برای تخلفات گسترده در حوزه واردات، رجیستری و پرداخت حقوق و عوارض تبدیل شده‌است. گمرک ایران اخیراً با صدور اطلاعیه‌ای رسمی، از عدم پرداخت کامل حقوق ورودی توسط برخی متقاضیان رجیستری خبر داده و مهلت ۱۰ روزه‌ای برای تسویه مابه‌التفاوت قانونی تعیین کرده است. این اقدام، نشانه‌ای از ورود جدی دولت به مقابله با تخلفات مالی در این حوزه است. آمارها نشان می‌دهند که در چهار ماهه نخست سال جاری، واردات مسافری تلفن همراه با رشد ۱۱۰ درصدی نسبت به سال گذشته مواجه شده و به بیش از ۲۴۷ هزار دستگاه به ارزش ۱۸۸ میلیون دلار رسیده است. این در حالی است که واردات تجاری کاهش یافته، نشان‌دهنده تمایل برخی واردکنندگان به استفاده از مسیرهای غیررسمی برای دور زدن پرداخت عوارض و تخصیص ارز رسمی.

رجیستری‌های صوری و سوءاستفاده از کد ملی

سابقه تخلفات در حوزه رجیستری نیز قابل توجه است. استفاده از کد ملی مسافران برای

گزارشی درباره کارگران ماهر ساختمانی وصنعتی که به دلیل فشار اقتصادی، نبود بیمه و تورم بالا به مشاغل خدماتی مهاجرت کرده‌اند

کارگران اتباع

آنهم در شرایطی که همواره دغدغه این موضوع وجود داشت که با خروج اتباع کار ساختمانی با چالش مواجه شود و فشار کار و درآمد پایین در این بخش منجر شود تا کارگران ایرانی از این فعال نگهداشتن صنایع معدنی و فلزی دارد. با توجه به اینکه دولت وعده داده بود با کاهش وابستگی به کارگران اتباع، مشکلات جامعه کارگری را با تکیه بر نیروی ایرانی حل کند، بیمه کارگران ساختمانی نخستین گام برای نشان دادن اراده دولت برای تحقق این وعده‌ها بدل شده است. اگر این مسیر با اصلاحات واقعی، نظارت موثر و پاسخ‌گویی سریع همراه نشود، نه‌تنها اعتماد جامعه کارگری آسیب خواهد دید، بلکه فشار تورمی و معیشتی نیز به نقطه‌ای بحرانی‌تر خواهد رسید.

در سال‌های اخیر، شکاف میان تورم و افزایش حقوق به بحرانی پنهان در بازار کار ایران تبدیل شده‌است. با تورمی که حالا دوباره به مرز ۴۵ درصد رسیده و رشد دستمزد‌ها که به‌مراتب کمتر بوده، بسیاری از کارگران مشاغل سخت مانند بخش‌های ساختمانی و صنعتی دیگر توان ادامه در مشاغل تولیدی را ندارند. فشار معیشتی، نبود امنیت شغلی و قطعی‌های مکرر بیمه باعث شده تا بخشی از نیروی کار ماهر کشور، از کارخانه‌ها و کارگاه‌ها فاصله بگیرند و به سمت مشاغل خدماتی با درآمد روزانه مانند رانندگی در اسنپ یا کارهای پاره‌وقت روی بیاورند.

ضعف سیاست‌گذاری در بازار کار

این جابه‌جایی شغلی، اگرچه در ظاهر نشانه‌ای از ضعف سیاست‌گذاری در بازار کار است، در واقع زنگ خطری جدی برای اقتصاد تولیدمحور کشور محسوب می‌شود. در شرایطی که ایران تحت فشار تحریم‌های خارجی قرار دارد و نیازمند

تقویت تولید داخلی است، از دست دادن نیروی انسانی متخصص در بخش‌های صنعتی و حتی ساختمانی می‌تواند ظرفیت تولید را به‌شدت تضعیف کند. چراکه به طور سنتی اقتصاد مسکن در ایران نقش مهمی در اشتغال و حتی فعال نگهداشتن صنایع معدنی و فلزی دارد. کارگرانی که روزی در خطوط تولید، ریخته‌گری، جوشکاری یا مونتاژ فعالیت می‌کردند، حالا با گواشی هوشمند و خودرو شخصی، در خیابان‌ها به دنبال مسافرنند. این تغییر از سر اجبار اقتصادی است. وقتی بیمه قطع می‌شود، حقوق با تورم هم‌خوانی ندارد و آینده شغلی مبهم است، طبیعی است که کارگران به دنبال درآمدی فوری و قابل



تورم بالا باعث شده بسیاری از کارگران صنعتی و ساختمانی به دلیل فشار معیشتی، نبود امنیت شغلی و قطع بیمه، مشاغل تولیدی را ترک کرده و به سمت کارهای خدماتی مانند رانندگی در اسنپ روی بیاورند

از مجموع ۱۰۵ تا ۱۰۶ میلیون کارگر ساختمانی، تنها ۷۶۰ هزار نفر بیمه دارند؛ یعنی حدود ۵۰۰ تا ۸۰۰ هزار نفر فاقد پوشش بیمه‌ای‌اند. در بخش تولیدی نیز با وجود ۲۴ میلیون شاغل، میلیون‌ها نفر به‌ویژه در واحدهای کوچک و مشاغل فصلی، خارج از چتر بیمه فعالیت می‌کنند

بازار تلفن همراه در ایران طی سال‌های اخیر به یکی از پرجمع‌ترین و پرچالش‌ترین حوزه‌های تجاری کشور تبدیل شده‌است. بر اساس آمارهای رسمی گمرک و وزارت صمت، سالانه حدود ۱۲ تا ۱۵ میلیون دستگاه تلفن همراه به‌صورت رسمی وارد کشور می‌شود که ارزش این واردات به‌طور میانگین بین ۳ تا ۴ میلیارد دلار برآورد شده است. بخش قابل توجهی از این واردات به برندهای پر تقاضا مانند سامسونگ، شیائومی و اپل اختصاص دارد. با وجود این حجم بالا، همچنان بخشی از تقاضای بازار از مسیرهای غیررسمی تأمین می‌شود؛ چراکه رشد مصرف، تغییرات سریع تکنولوژی و محدودیت‌های وارداتی، شکاف قابل توجهی میان عرضه رسمی و نیاز واقعی ایجاد کرده‌اند.

برآوردهای فعالان صنفی نشان می‌دهد که تقاضای واقعی بازار تلفن همراه در ایران سالانه بین ۱۵ تا ۱۸ میلیون دستگاه است. این اختلاف ۳ تا ۵ میلیون دستگاهی میان واردات رسمی و تقاضای واقعی، عملاً به فضای قاچاق و واردات غیررسمی دامن زده است.

بر اساس گزارش‌های نهادهای امنیتی و ستاد مبارزه با قاچاق کالا، سالانه حدود ۳ تا ۴ میلیون دستگاه تلفن همراه به‌صورت قاچاق وارد بازار ایران می‌شود. این حجم، معادل ۱۵ تا ۲۰ درصد کل بازار است و عمدتاً از مسیرهایی مانند امارات متحده عربی (دوبی)، اقلیم کردستان عراق، افغانستان و پاکستان و در مواردی ترکیه انجام می‌شود. دویی به‌عنوان هاب منطقه‌ای تجارت موبایل، نقش محوری در انتقال گوشی‌های پرطرفدار مانند آیفون دارد. مرزهای غربی با عراق نیز به‌دلیل ضعف نظارتی، یکی از پرترکرترین مسیرهای ورود کالای قاچاق هستند. در شرق کشور، مناطق مرزی سیستان و بلوچستان شاهد ورود گوشی‌های ارزان قیمت از افغانستان و پاکستان هستند. مسیر ترکیه نیز در دوره‌هایی که محدودیت‌های وارداتی تشدید می‌شود، فعال‌تر می‌شود.

تلنگر

جهش قیمت میوه و صیفی‌جات در شهر یور امسال، مقصر اصلی دلالتان و صادر کنندگان هستند

سبد ملتهب خانواده

دولت با غفلت از کنترل زنجیره توزیع و سقف صادرات،

نوسانات بازار میوه و صیفی‌جات را تشدید کرده است



خیار و هندوانه در سبد خوراکی خانوارهای شهری در شهریور ۱۴۰۴ با نوسانات قابل توجهی روبه‌رو شد، این موضوع نشان می‌دهد که واسطه‌ها در پایان فصل کشت با احتکار این میوه‌ها برای پاییز دست به کار شده‌اند.

بر اساس گزارش مرکز آمار، برخی اقلام خوراکی در شهریور ماه با جهش قیمتی چشمگیر، فشار بیشتری بر معیشت خانوارها وارد کرده‌اند. در صدر این فهرست، هندوانه با افزایش ۶۳٫۵ درصدی، خیار با ۳۴٫۴ درصد و گوشت گاو با ۱۱٫۴ درصد قرار دارند. این تغییر قیمت نشان‌دهنده آن است که هم کالاهای فصلی و هم اقلام پروتئینی در معرض تورم بوده‌اند. اما دلیل رشد قیمت این کالا افزایش تقاضا نیست. به گزارش هفت‌صبح، در گروه نان و غلات، «ماکارونی و رشته آش» با ۴٫۶ درصد و «شیرینی خشک» با ۳۰٫۱ درصد افزایش قیمت، نشان‌دهنده تأثیر تورم بر اقلام فرآوری شده و پرمصرف است. این رشد، هر چند نسبت به سایر گروه‌ها کمتر است، اما به دلیل فراگیری مصرف، اثر قابل توجهی بر بودجه خانوار دارد.

در گروه گوشت و فرآورده‌های پروتئینی، «گوشت گاو یا گوساله» و «مرغ ماشینی» هر دو با بیش از ۱۱ درصد افزایش، بار دیگر نشان دادند که تأمین پروتئین حیوانی در ایران با چالش‌های جدی مواجه است. «ماهی قزل‌آلا» نیز با رشد ۴٫۶ درصدی، از این روند مستثنا نبوده است. لبنیات و تخم‌مرغ نیز از تورم در امان نمانده‌اند. «تخم‌مرغ ماشینی» با ۹٫۴ درصد افزایش، در کنار «شیر، ماست و دوغ پاستوریزه» با رشد ۳٫۲ درصدی، نشان می‌دهد که کالاهای پایه‌ای تغذیه نیز در مسیر گرانی قرار دارند. این موضوع به‌ویژه برای خانوارهای کم‌درآمد، فشار مضاعفی ایجاد می‌کند.

در گروه میوه و خشکبار، افزایش قیمت هندوانه (۶۳٫۵ درصد)، خربزه (۲۹٫۸ درصد)، پرتقال (۱۲٫۲ درصد) و هلو (۱۰٫۶ درصد) نشان‌دهنده نوسانات شدید در بازار میوه‌های تابستانی است. تنها «انار» با کاهش ۱۳ درصدی، خلاف جهت بازار حرکت کرده و به‌عنوان تنها کالای ارزان‌شده در این گزارش ثبت شده است.

در بخش سبزیجات و حبوبات، «خیار» با ۲۴٫۴ درصد و «قارچ» با ۲۸٫۷ درصد افزایش، بیشترین رشد را داشته‌اند. «سبب‌زمینی»، «هویج فرنگی» و «کدو سبز» نیز با رشد نزدیک به ۱۰ درصد، نشان می‌دهند که حتی اقلام ساده و پرمصرف نیز از تورم بی‌نیصب نمانده‌اند. در گروه قند و شکر، آشامیدنی‌ها و سایر خوراکی‌ها، «سس مایونز» با ۳٫۸ درصد، «سس گوجه‌فرنگی» با ۳٫۲ درصد و «چای خارجی بسته‌بای» با ۲٫۹ درصد افزایش قیمت، گرانی در کالاهای مکمل و غیرضروری را نیز تأیید می‌کنند.

نقش دلالتان و صادرکنندگان در نوسانات بازار

افزایش شدید قیمت هندوانه، خیار، خربزه و قارچ در شهر یورماه را نمی‌توان صرفاً به تغییرات فصلی یا نوسانات تولید نسبت داد. دو عامل ساختاری، همواره بازار میوه و صیفی‌جات ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهند و در بسیاری از موارد، عامل اصلی جهش‌های قیمتی هستند. نخست، دلالتان و واسطه‌هایی هستند که خرید عمده از کشاورزان و انبار کردن محصولات، عملانیض بازار را در دست می‌گیرند. این گروه‌ها با عرضه قطره‌چکانی، قیمت‌ها را به‌صورت مصنوعی بالا نگه می‌دارند و در غیاب نظارت موثر، می‌توانند بازار را به‌راحتی کنترل کنند. در بسیاری از موارد، محصولاتی که در مزارع با قیمت مناسب قابل تهیه‌اند، در بازار شهری با چند برابر قیمت به فروش می‌رسند، نه به دلیل کمبود، بلکه به‌واسطه احتکار و بازی با زمان عرضه است.

دوم، گروه‌هایی هستند که محصولات داخلی را جمع‌آوری کرده و به بازار کشورهای همسایه صادر می‌کنند. میوه و صیفی‌جات ایران، به‌ویژه در فصل برداشت، به دلیل کیفیت بالا و قیمت رقابتی، در کشورهای خشک و عربی مانند قطر، امارات، عمان و حتی در بازارهای روسیه با تقاضای بالایی مواجه‌اند. این صادرات، هر چند از منظر ارزی می‌تواند مفید باشد، اما در نبود تعادل میان عرضه داخلی و صادرات، موجب کمبود در بازار داخلی و افزایش قیمت‌ها می‌شود.

در واقع، هندوانه‌ای که در شهر یورماه با رشد ۶۳٫۵ درصدی قیمت

مواجه شد، نه به دلیل کاهش تولید، بلکه به دلیل صادرات گسترده و

کنترل‌شده عرضه در بازار داخلی، به محصولی گران بدل شد. خیار و

خربزه نیز همین مسیر را طی کردند؛ محصولاتی که در فصل برداشت

باید ارزان‌تر شوند، اما به‌واسطه خروج از مرزها و احتکار داخلی، با جهش

قیمتی مواجه شدند.

بازار میوه و صیفی‌جات به دلیل ضعف سیاست‌گذاری دقیق و نظارت موثر دچار نوسان شده و در ماه‌های آینده نیز مسیر ادامه می‌یابد. چراکه فصل برداشت پایان می‌یابد و عرضه کمتر می‌شود. به طور قطع تنظیم بازار میوه و صیفی‌جات، نیازمند مداخله‌های هوشمندانه است از کنترل زنجیره توزیع تا تعیین سقف صادرات در فصل‌های حساس. در غیر این صورت، سبب غذایی خانوارهای ایرانی، بیش از پیش تحت فشار قرار خواهد گرفت.

افزایش قیمت‌ها در شهر یورماه، تقریباً تمامی گروه‌های خوراکی را با رشد قیمت مواجه کرده است. این روند، روی کاهش کیفیت تغذیه و افزایش نارضایتی عمومی تأثیر می‌گذارد. مگر اینکه دولت از طریق شکرکشی‌های تعاونی روستایی که همواره میوه و صیفی‌جات انبار می‌کنند در بازار مداخله جدی‌تری نکند. اما عدم واکنش دولت حکایت از این دارد که از نظر مسئولان قیمت میوه و صیفی‌جات بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار تومان طبیعی است!

یک انتصاب تازه در شورای اطلاع رسانی دولت، مد مشورت گرفتن از نسل زد

مشاوره نمادین

انتصاب مشاور نسل زد نمی تواند خلأ اعتماد و مشارکت واقعی جوانان را پر کند

تجربه سه سال گذشته نشان می‌دهد نسل زد در

تصمیم‌گیری‌های کلان نادیده گرفته شده و نیازمند فضایی

واقعی برای مشارکت و اثرگذاری است



هفت صبح | الیاس حضرتی، رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت در حکمی امیررضا احمدی را به‌عنوان مشاور رئیس شورا در امور نسل Z منصوب کرد. اقدامی که قرار است پل ارتباطی میان حاکمیت و جوانانی باشد که سبک زندگی‌شان با تکنولوژی، اینترنت، گوشی‌های هوشمند و شبکه‌های اجتماعی گره خورده و اکنون بخش مهمی از جمعیت جوان کشور را تشکیل می‌دهند.

چنین انتصابی می‌تواند نشانه‌ای از توجه به اهمیت و نقش نسل Z در تحولات آینده ایران باشد. نسلی که در سال‌های اخیر در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و حتی فرهنگی حضوری پررنگ و بعضاً تعیین‌کننده داشته است. اما آیا این حکم انتصاب، درعمل به تغییر رویکرد و درک عمیق‌تر از خواسته‌ها و مطالبات این نسل منجر خواهد شد؟ یا باید آن را صرفاً حرکتی نمایشی دانست که بیش از آنکه تغییری واقعی رقم بزند، مصرف‌رسانه‌ای دارد؟

نسل Z: مطالبه‌گران فراموش‌شده

واقعیت این‌است که نسل Z در ایران پس از سال ۱۴۰۱ به‌وضوح نشان داد می‌تواند معادلات اجتماعی و سیاسی را تغییر دهد. حضور پررنگ این نسل در بزنگاه‌های اعتراضی و اجتماعی نه تنها در ایران، بلکه در کشورهایی همچون نپال و هند نیز تجربه شد. این جوانان با بهره‌گیری از شبکه‌های اجتماعی، توانستند خواسته‌های خود را در عرصه عمومی مطرح و حتی برخی احزاب سنتی را وادار به بازنگری در سیاست‌های خود کنند.

اما مرور تحولات سه‌سال گذشته در ایران نشان می‌دهد غبار فراموشی دوباره بر سر نقش این نسل نشسته است. نه در تصمیم‌گیری‌های کلان کشور و نه در لایه‌های عمیق تصمیم‌سازی، جایگاهی برای آن‌ها باز نشده است. انتصاب یک مشاور از میان نسل Z، هرچند خیرساز است، اما بدون تغییر در ساختارهای قدرت، صرفاً به یک حرکت نمادین تقلیل پیدا می‌کند.

این در حالی‌است که طبق یافته‌های پژوهشی که اخیراً از سوی تعدادی از فعالان اجتماعی در ارتباط با این نسل انجام شده، دغدغه اصلی این نسل بیش از هر چیز معیشت، اشتغال، آینده روشن و سلامت روان است. در یکی از همین مطالعات، بیش از ۴۰ درصد جوانان بحران اقتصادی و گرانی را مهم‌ترین مسئله خود دانسته‌اند و حدود یک‌چهارم آن‌ها مهاجرت را گزینه‌ای جدی برای رهایی از وضعیت موجود برشمرده‌اند. این داده‌ها نشان می‌دهد نسل Z بیش از هر چیز به دنبال پاسخ واقعی است، نه انتصاب‌های تشریفاتی.

فاصله میان خواسته‌ها و ساختار تصمیم‌سازی

یکی از ویژگی‌های کلیدی نسل Z، نتیجه‌گرایی است. آن‌ها به‌وضوح تمایل دارند در فعالیت‌هایی مشارکت کنند که اثر ملموس داشته باشد. در پژوهش یادشده، ۷۴ درصد جوانان فعالیت داوطلبانه را برای رشد شخصیت مهم دانسته‌اند، اما تنها ۶۱ درصد حاضرند به NGOها بپیوندند؛ آن‌هم در صورتی که اثرگذاری واقعی احساس کنند. به بیان دیگر، نسل Z درگیر شعار و حرکت‌های نمادین نمی‌شود و به محض آنکه بی‌نتیجه بودن مشارکتش را ببیند، مسیر کناره‌گیری را حتی مهاجرت را انتخاب می‌کند.

این درک از نسل Z با تحولات جهانی نیز هم‌راستا است. از کمپین‌های محیط‌زیستی هند گرفته تا اعتراضات ضدفساد در نپال، این نسل توانسته است با ابزار شبکه‌های اجتماعی و زبان مشترک جهانی خود، افکار عمومی را تحت تأثیر قرار دهد و خواسته‌هایش را به گفتمان مسلط بدل کند. اما در ایران، ساختارهای سیاسی همچنان درکی حداقلی از این واقعیت دارند و به جای ایجاد فرصت‌های واقعی مشارکت، بیشتر به نمادسازی بسنده می‌کنند.

انتصاب یک مشاور از نسل Z اگر در چارچوب همین نگاه باقی بماند، نه تنها پاسخی به مطالبات این نسل نخواهد بود، بلکه به افزایش شکاف بی‌اعتمادی نیز دامن خواهد زد. چراکه جوانان به سرعت درمی‌یابند این جایگاه‌ها بیشتر برای پر کردن تیترو خبرهاست تا شنیدن صدای واقعی آن‌ها.

فراتر از حرکت‌های نمایشی

در نهایت، آنچه از مرور تجربه سال‌های اخیر به دست می‌آید، این‌است که نسل Z، نه نیازی به نمادسازی دارد و نه جذب حرکت‌های صرفاً رسانه‌ای می‌شود. این نسل نتیجه‌گرا، خلاق و در عین حال نگران و بی‌اعتماد است. برای بهره‌گیری از ظرفیت‌هایش باید فضاهای واقعی مشارکت ایجاد شود؛ فضایی که هم مهارت‌افزا باشد و هم به تغییرات ملموس اجتماعی منجر شود.

انتصاب مشاور نسل Z توسط رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت، اگر به طراحی سازوکارهای واقعی گفت‌وگو و مشارکت جوانان در فرآیندهای تصمیم‌سازی منجر نشود، تنها در حد یک خبر باقی خواهد ماند؛ خبری که نه بار مسئولیت سنگین مشکلات اقتصادی و اجتماعی را از دوش نسل زد برمی‌دارد و نه پاسخی به اضطراب‌های روانی و بحران بی‌اعتمادی آن‌ها می‌دهد.

آینده ایران بدون نسل Z رقم نخواهد خورد. اما اینکه این نسل در بطن تصمیم‌سازی حضور داشته باشد یا در حاشیه بماند، بستگی به این دارد که مسئولان امروز تا چه حد حاضرند از نگاه نمادین عبور کنند و به سمت مشارکت واقعی بروند. اگر این تغییر رویکرد رخ ندهد، انتصاب‌هایی از این دست چیزی فراتر از یک حرکت نمایشی نخواهد بود.

لوکس خود را به نمایش می‌گذارد.

بازگرداندن صد ایرانی از آمریکا به ایران، نه فقط یک اقدام اجرایی، بلکه اتفاقی نادر از همکاری دو کشور است. در سالیان گذشته ایران و آمریکا در موضوعات سیاسی همکاری‌های محدودی از جمله درباره افغانستان یا عراق داشته‌اند اما درباره اخراج ایرانی‌نه، تاکنون چنین اتفاقی رخ نداده بود.

● **چهار**: مقام‌های ایرانی گفته‌اند که برخی از اخراج‌شدگان داوطلبانه بازگشته‌اند، اما بسیاری دیگر پس از ماه‌ها بازداشت، بدون رسیدگی کامل به پرونده‌شان، به ایران فرستاده‌شده‌اند.

حسین نوش‌آبادی، مدیرکل مجلس معاونت کنسولی مجلس و ایرانیان وزارت خارجه نیز از یک «تفاهم صورت گرفته» بین دو کشور خبرداده و تعداد ایرانیان را بیشتر ذکر کرده و گفته است: «طی فردا یا پس فردا حدود ۱۲۰ مهاجر ایرانی به کشور باز خواهند گشت و براساس آنچه که ما اطلاع داریم رضایت آنها برای بازگشت به کشور جلب شده است.»

نوش‌آبادی در توضیح خود اِیسن را نکته را بازکرده است که «این افراد از ایران به صورت قانونی خارج شده‌اند، اما برخی از آنها از طریق مرز مکزیک به صورت غیرقانونی به آمریکا ورود پیدا کرده‌اند.» به گفته او اداره مهاجرت آمریکا پیگیر خروج آنها بود.

او این خبر را هم داده است که این پرواز اول بازگشت ایرانیان است. او می‌گوید: «چند ماه پیش در ارتباط با اخراج اتباع ایرانی در آمریکا بحث ۳۰۰ الی ۴۰۰ نفر مطرح شد و تعداد افرادی که اکنون برمی‌گردند حدود ۱۲۰ نفر هستند و شاید این مرحله اول بازگشت این افراد باشد.»

● **پنج**: در ایران که با بحران اقتصادی، تورم، بیکاری و قطعی‌های مکرر انرژی دست‌وپنجه نرم می‌کند، بازگشت به وطن برای بسیاری از این افراد، نه پایان یک سفر، بلکه آغاز یک ایهام است. مقام‌های ایرانی وعده داده‌اند که با آنان برخورد مناسبی خواهد شد، اما برخی از بازگشتگان، به گفته منابع آمریکایی، دچار ترس و ناامیدی‌اند.

این پرواز، در نهایت، تصویری چندلایه از مهاجرت ایرانیان به آمریکا را به نمایش می‌گذارد؛ از رویای تحصیل و آزادی تا واقعیت‌های دیپورت و بازگشت.

سندی برای این ادعا وجود ندارد. با این حال، در کمپین‌های انتخاباتی و ویدئوهای رسمی وزارت خارجه آمریکا، از جمله توسط برابان هوک، نماینده ویژه امور ایران، موضوع اخراج فرزندان مقام‌های ایرانی مطرح شده بود. در کنار این روایت‌ها، نشریه اکونومیست نیز رسانه‌های ایرانی و خارجی بارها به حضور آنان در آمریکا اشاره کرده‌اند. برخی اشاره کرده بودند که بیش از ۵ هزار نفر آقازاده ایرانی در آمریکا زندگی می‌کنند. این عدد ابتدا توسط محمد غرضی مطرح شد و او مدعی بود که ترامپ در سال ۲۰۱۷ چنین چیزی گفته است اما هیچ منبع رسمی یا

سندی در این باره وجود ندارد. با این حال،

در کمپین‌های انتخاباتی و ویدئوهای رسمی

وزارت خارجه آمریکا، از جمله توسط برابان

هوک، نماینده ویژه امور ایران، موضوع اخراج

فرزندان مقام‌های ایرانی مطرح شده بود. در

کنار این روایت‌ها، نشریه اکونومیست نیز

رسانه‌های ایرانی و خارجی بارها به حضور

آنان در آمریکا اشاره کرده‌اند. برخی اشاره

کرده بودند که بیش از ۵ هزار نفر آقازاده

ایرانی در آمریکا زندگی می‌کنند. این عدد

ابتدا توسط محمد غرضی مطرح شد و او

مدعی بود که ترامپ در سال ۲۰۱۷ چنین

چیزی گفته است اما هیچ منبع رسمی یا

سندی در این باره وجود ندارد. با این حال،

در کمپین‌های انتخاباتی و ویدئوهای رسمی

وزارت خارجه آمریکا، از جمله توسط برابان

هوک، نماینده ویژه امور ایران، موضوع اخراج

فرزندان مقام‌های ایرانی مطرح شده بود. در

کنار این روایت‌ها، نشریه اکونومیست نیز

رسانه‌های ایرانی و خارجی بارها به حضور

آنان در آمریکا اشاره کرده‌اند. برخی اشاره

کرده بودند که بیش از ۵ هزار نفر آقازاده

ایرانی در آمریکا زندگی می‌کنند. این عدد

ابتدا توسط محمد غرضی مطرح شد و او

مدعی بود که ترامپ در سال ۲۰۱۷ چنین

چیزی گفته است اما هیچ منبع رسمی یا

سندی در این باره وجود ندارد. با این حال،

در کمپین‌های انتخاباتی و ویدئوهای رسمی

وزارت خارجه آمریکا، از جمله توسط برابان

هوک، نماینده ویژه امور ایران، موضوع اخراج

فرزندان مقام‌های ایرانی مطرح شده بود. در

کنار این روایت‌ها، نشریه اکونومیست نیز

رسانه‌های ایرانی و خارجی بارها به حضور

آنان در آمریکا اشاره کرده‌اند. برخی اشاره

کرده بودند که بیش از ۵ هزار نفر آقازاده

ایرانی در آمریکا زندگی می‌کنند. این عدد

ابتدا توسط محمد غرضی مطرح شد و او

مدعی بود که ترامپ در سال ۲۰۱۷ چنین

چیزی گفته است اما هیچ منبع رسمی یا

سندی در این باره وجود ندارد. با این حال،

در کمپین‌های انتخاباتی و ویدئوهای رسمی

وزارت خارجه آمریکا، از جمله توسط برابان

هوک، نماینده ویژه امور ایران، موضوع اخراج

فرزندان مقام‌های ایرانی مطرح شده بود. در

کنار این روایت‌ها، نشریه اکونومیست نیز

رسانه‌های ایرانی و خارجی بارها به حضور

آنان در آمریکا اشاره کرده‌اند. برخی اشاره

کرده بودند که بیش از ۵ هزار نفر آقازاده

ایرانی در آمریکا زندگی می‌کنند. این عدد

ابتدا توسط محمد غرضی مطرح شد و او

مدعی بود که ترامپ در سال ۲۰۱۷ چنین

چیزی گفته است اما هیچ منبع رسمی یا

سندی در این باره وجود ندارد. با این حال،

در کمپین‌های انتخاباتی و ویدئوهای رسمی

وزارت خارجه آمریکا، از جمله توسط برابان

هوک، نماینده ویژه امور ایران، موضوع اخراج

فرزندان مقام‌های ایرانی مطرح شده بود. در

کنار این روایت‌ها، نشریه اکونومیست نیز

رسانه‌های ایرانی و خارجی بارها به حضور

آنان در آمریکا اشاره کرده‌اند. برخی اشاره

کرده بودند که بیش از ۵ هزار نفر آقازاده

ایرانی در آمریکا زندگی می‌کنند. این عدد

ابتدا توسط محمد غرضی مطرح شد و او

مدعی بود که ترامپ در سال ۲۰۱۷ چنین

چیزی گفته است اما هیچ منبع رسمی یا

سندی در این باره وجود ندارد. با این حال،

در کمپین‌های انتخاباتی و ویدئوهای رسمی

وزارت خارجه آمریکا، از جمله توسط برابان

هوک، نماینده ویژه امور ایران، موضوع اخراج

فرزندان مقام‌های ایرانی مطرح شده بود. در

کنار این روایت‌ها، نشریه اکونومیست نیز

رسانه‌های ایرانی و خارجی بارها به حضور

آنان در آمریکا اشاره کرده‌اند. برخی اشاره

کرده بودند که بیش از ۵ هزار نفر آقازاده

ایرانی در آمریکا زندگی می‌کنند. این عدد

ابتدا توسط محمد غرضی مطرح شد و او

مدعی بود که ترامپ در سال ۲۰۱۷ چنین

چیزی گفته است اما هیچ منبع رسمی یا

سندی در این باره وجود ندارد. با این حال،

در کمپین‌های انتخاباتی و ویدئوهای رسمی

وزارت خارجه آمریکا، از جمله توسط برابان

هوک، نماینده ویژه امور ایران، موضوع اخراج

فرزندان مقام‌های ایرانی مطرح شده بود. در

کنار این روایت‌ها، نشریه اکونومیست نیز

رسانه‌های ایرانی و خارجی بارها به حضور

آنان در آمریکا اشاره کرده‌اند. برخی اشاره

کرده بودند که بیش از ۵ هزار نفر آقازاده

ایرانی در آمریکا زندگی می‌کنند. این عدد

ابتدا توسط محمد غرضی مطرح شد و او

مدعی بود که ترامپ در سال ۲۰۱۷ چنین

چیزی گفته است اما هیچ منبع رسمی یا

سندی در این باره وجود ندارد. با این حال،

در کمپین‌های انتخاباتی و ویدئوهای رسمی

وزارت خارجه آمریکا، از جمله توسط برابان

هوک، نماینده ویژه امور ایران، موضوع اخراج

فرزندان مقام‌های ایرانی مطرح شده بود. در

کنار این روایت‌ها، نشریه اکونومیست نیز

رسانه‌های ایرانی و خارجی بارها به حضور

آنان در آمریکا اشاره کرده‌اند. برخی اشاره

کرده بودند که بیش از ۵ هزار نفر آقازاده

ایرانی در آمریکا زندگی می‌کنند. این عدد

ابتدا توسط محمد غرضی مطرح شد و او

مدعی بود که ترامپ در سال ۲۰۱۷ چنین

چیزی گفته است اما هیچ منبع رسمی یا

سندی در این باره وجود ندارد. با این حال،

در کمپین‌های انتخاباتی و ویدئوهای رسمی

وزارت خارجه آمریکا، از جمله توسط برابان

هوک، نماینده ویژه امور ایران، موضوع اخراج

فرزندان مقام‌های ایرانی مطرح شده بود. در

کنار این روایت‌ها، نشریه اکونومیست نیز

رسانه‌های ایرانی و خارجی بارها به حضور

آنان در آمریکا اشاره کرده‌اند. برخی اشاره

کرده بودند که بیش از ۵ هزار نفر آقازاده

ایرانی در آمریکا زندگی می‌کنند. این عدد

ابتدا توسط محمد غرضی مطرح شد و او

مدعی بود که ترامپ در سال ۲۰۱۷ چنین

چیزی گفته است اما هیچ منبع رسمی یا

سندی در این باره وجود ندارد. با این حال،

در کمپین‌های انتخاباتی و ویدئوهای رسمی

وزارت خارجه آمریکا، از جمله توسط برابان

هوک، نماینده ویژه امور ایران، موضوع اخراج

فرزندان مقام‌های ایرانی مطرح شده بود. در

کنار این روایت‌ها، نشریه اکونومیست نیز

رسانه‌های ایرانی و خارجی بارها به حضور

آنان در آمریکا اشاره کرده‌اند. برخی اشاره

کرده بودند که بیش از ۵ هزار نفر آقازاده

ایرانی در آمریکا زندگی می‌کنند. این عدد

ابتدا توسط محمد غرضی مطرح شد و او

مدعی بود که ترامپ در سال ۲۰۱۷ چنین

چیزی گفته است اما هیچ منبع رسمی یا

سندی در این باره وجود ندارد. با این حال،

در کمپین‌های انتخاباتی و ویدئوهای رسمی

وزارت خارجه آمریکا، از جمله توسط برابان

هوک، نماینده ویژه امور ایران، موضوع اخراج

فرزندان مقام‌های ایرانی مطرح شده بود. در

کنار این روایت‌ها، نشریه اکونومیست نیز

رسانه‌های ایرانی و خارجی بارها به حضور

آنان در آمریکا اشاره کرده‌اند. برخی اشاره

کرده بودند که بیش از ۵ هزار نفر آقازاده

ایرانی در آمریکا زندگی می‌کنند. این عدد

ابتدا توسط محمد غرضی مطرح شد و او

مدعی بود که ترامپ در سال ۲۰۱۷ چنین

چیزی گفته است اما هیچ منبع رسمی یا

سندی در این باره وجود ندارد. با این حال،

در کمپین‌های انتخاباتی و ویدئوهای رسمی

وزارت خارجه آمریکا، از جمله توسط برابان

هوک، نماینده ویژه امور ایران، موضوع اخراج

فرزندان مقام‌های ایرانی مطرح شده بود. در

کنار این روایت‌ها، نشریه اکونومیست نیز

رسانه‌های ایرانی و خارجی بارها به حضور

آنان در آمریکا اشاره کرده‌اند. برخی اشاره

کرده بودند که بیش از ۵ هزار نفر آقازاده

ایرانی در آمریکا زندگی می‌کنند. این عدد

ابتدا توسط محمد غرضی مطرح شد و او

مدعی بود که ترامپ در سال ۲۰۱۷ چنین

چیزی گفته است اما هیچ منبع رسمی یا

سندی در این باره وجود ندارد. با این حال،

در کمپین‌های انتخاباتی و ویدئوهای رسمی

وزارت خارجه آمریکا، از جمله توسط برابان

هوک، نماینده ویژه امور ایران، موضوع اخراج

فرزندان مقام‌های ایرانی مطرح شده بود. در

کنار این روایت‌ها، نشریه اکونومیست نیز

رسانه‌های ایرانی و خارجی بارها به حضور

آنان در آمریکا اشاره کرده‌اند. برخی اشاره

کرده بودند که بیش از ۵ هزار نفر آقازاده

ایرانی در آمریکا زندگی می‌کنند. این عدد

ابتدا توسط محمد غرضی مطرح شد و او

مدعی بود که ترامپ در سال ۲۰۱۷ چنین

چیزی گفته است اما هیچ منبع رسمی یا

سندی در این باره وجود ندارد. با این حال،

در کمپین‌های انتخاباتی و ویدئوهای رسمی

وزارت خارجه آمریکا، از جمله توسط برابان

هوک، نماینده ویژه امور ایران، موضوع اخراج

فرزندان مقام‌های ایرانی مطرح شده بود. در

کنار این روایت‌ها، نشریه اکونومیست نیز

رسانه‌های ایرانی و خارجی بارها به حضور

آنان



قطع اینترنت و مخابرات برای جلوگیری از فسق و فجور

طالبان اقتصاد و زندگی در افغانستان را فلج کرد؛ بازار تعطیل شد

افغانستان روز سه‌شنبه برای دومین روز متوالی با قطعی کامل اینترنت و خدمات تلفن همراه بود؛ این در حالیست که مقامات طالبان پیش‌تر شبکه فیبر نوری کشور را قطع کرده بودند. فرمان قطع اینترنت پرسرعت به منظور مبارزه با «فسق و فجور» از اوایل ماه جاری توسط هبت‌الله آخوندزاده، رهبر این گروه شبه‌نظامی صادر و از سوی دولت طالبان در برخی ولایات افغانستان به اجرا درآمده بود. «نت‌بلاکس» نوشت سیگنال تلفن همراه و خدمات اینترنت دوشنبه شب به تدریج در سراسر کشور تضعیف شد تا جایی که سطح اتصال به کمتر از یک درصد میزان عادی رسید. این نخستین بار از زمان پیروزی طالبان در سال ۲۰۲۱ و تحمیل نسخه سختگیرانه از قوانین اسلامی است که ارتباطات در کل کشور به این شکل قطع می‌شود.

به نقل از یورونیوز، نجیب‌الله، یک دکاندار ۴۲ ساله در کابل، می‌گوید: «ما بدون تلفن و اینترنت کور شده‌ایم. تمام کسب‌وکار ما به تلفن همراه وابسته است. تحویل کالاها با موبایل انجام می‌شود. انگار تعطیل رسمی است، همه در خانه مانده‌اند. بازار کاملاً فلج شده است.»

دقایقی پیش از وقوع این قطعی، یک مقام دولتی به خبرگزاری فرانسه هشدار داده بود که شبکه فیبر نوری قطع خواهد شد و این اقدام بر خدمات تلفن همراه نیز تأثیر خواهد گذاشت.

او با بیان اینکه «۸ تا ۹ هزار دکل مخابراتی» خاموش خواهد شد، افزود این خاموشی «تا اطلاع ثانوی» ادامه خواهد داشت. این مقام که خواست نامش فاش شود، گفت: «هیچ راه یا سیستم دیگری برای ارتباط وجود ندارد... بخش بانکی، گمرکات، همه چیز در سراسر کشور تحت تأثیر قرار خواهد گرفت.» گزارش‌ها حاکی از آن است که رهبر طالبان در اوایل این ماه هشدارهای برخی مقامات در مورد پیامدهای اقتصادی قطع اینترنت را نادیده گرفته و به مقامات دستور داده بود تا ممنوعیت سراسری را اجرا کنند.

ارتباطات رادیویی

منابع دیپلماتیک روز سه‌شنبه به خبرگزاری فرانسه گفتند که شبکه‌های تلفن همراه عمدتاً قطع شده‌اند. در همین حال، یک منبع در سازمان ملل گفت: «فعالیت‌ها به شدت تحت تأثیر قرار گرفته و تنها ارتباط رادیویی و ماهواره‌ای محدود باقی مانده است.»

خدمات تلفن، به‌ویژه در کشورهایی با زیرساخت‌های مخابراتی محدود، اغلب از طریق اینترنت و با استفاده از همان خطوط فیبر نوری مسیریابی می‌شوند. طی هفته‌های



عکس روز

خطر توقیف صمود

ناوگان بیداری جهانی به منطقه تهدید توقیف توسط رژیم صهیونیستی نزدیک شد



کاروان دریایی بین‌المللی موسوم به «ناوگان بیداری جهانی» که حامل بیش از ۵۰۰ فعال از ۴۰ کشور و کمک‌های بشردوستانه به غزه است، در ۱۵۰ مایلی سواحل این منطقه قرار گرفته و به گفته یکی از شرکت‌کنندگان، وارد محدودهای شده است که رژیم صهیونیستی پیشتر چند کشتی امدادی را توقیف کرده بود. به گزارش ایسنا، ناوگان بیداری جهانی (صمود) که برای رساندن کمک‌های بشردوستانه به غزه حرکت می‌کند، به منطقه‌ای نزدیک شده است که رژیم صهیونیستی پیشتر ۲ کشتی امدادی را در آن توقیف کرده بود. طبق گزارش خبرگزاری آنا‌تولسی، در همین راستا، «روز ایکما» فعال حقوق آوارگان و یکی از شرکت‌کنندگان در این کاروان، اعلام کرد این ناوگان در فاصله ۱۵۰ مایلی غزه قرار دارد و این نقطه به عنوان منطقه‌ای شناخته می‌شود که اسرائیل معمولاً کشتی‌ها را توقیف می‌کند. او در

ادامه خواستار رفع محاصره غزه، پایان دادن به نسل‌کشی و اجازه ورود مواد غذایی به این منطقه شد و گفت: ملت فلسطین از گرسنگی رنج می‌برند. گرتا تونبرگ فعال سواندی حوزه محیط زیست و از شرکت‌کنندگان در ناوگان بیداری جهانی که به سوی غزه حرکت می‌کند، در گفت‌وگو با شبکه «سی‌ان‌ان» اعلام کرد هدف این مأموریت رساندن کمک‌های بشردوستانه به ملت فلسطین در غزه است و نه صرفاً عبور کمک‌ها از محاصره. تونبرگ با تأکید بر اینکه مشکل تنها در جلوگیری از ورود کمک‌های بشردوستانه نیست، افزود: ما خواستار پایان محاصره هستیم، نه فقط اجازه ورود کمک‌ها. وی اشاره کرد که کشتی‌های این کاروان حامل مواد غذایی، تجهیزات پزشکی، شیر خشک، پوشک و محصولات بهداشتی هستند. تونبرگ همچنین یادآور شد: ایمن وظیفه کشور‌های مدعی حقوق بشر و قانون بین‌الملل

نویت دوم	نشانه: ۲۰۱۱۳۴۰
فراخوان مزایده عمومی یک مرحله ای	
تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار مزایده به شرح ذیل می باشد:	
مبلغ تضمین: -/۲۱۰۲۷۲۴۳۹۰۲۷ ریال	
ضمانتنامه بانک های سپه و پاسارگاد مورد تایید نمی باشد.	
محل و مهلت دریافت اسناد	
از کلیه متقاضیان دعوت به عمل می آید حداکثر ظرف مهلت ۵ روز از انتشار فراخوان دوم، به یکی از آدرس های ذیل الذکر مراجعه و ارائه اعلام آمادگی کتبی خود اقدام نمایند. در ضمن زمان دریافت مدارک و اسناد مزایده متقاضیان اعلام خواهد شد.	
محل دریافت اسناد:	
اهواز-کوی زندانیان اسلام - خیابان پارک ۴ - مجتمع امور حقوقی و قراردادهای اتاق شماره یک	
تهران- میدان آرژانتین - اول خیابان بهیقي - پلاک ۲۸ - ساختمان مرکزی یازدهم شرکت ملی نفت ایران - دفتر امورحقوقی و قراردادهای مناطق نفتخیز جنوب	
همزمان ارائه معرفی نامه و کارت ملی برای متقاضیان شرکت در مزایده و نمایندگان شرکتها در همه مراحل لازم و ضروری می باشد.	
تذکر: حسب مورد ارائه یک نسخه از اساسنامه، شرکتنامه و آگهی تاسیس و آخرین تغییرات ثبتی الزامی می باشد.	
امور حقوقی و قراردادهای - شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب	LETS.MPORG.IR



چهار روز

آریانا گراند خواننده و بازیگر نامزد اسکار فیلم «شور» در اینستاگرام از حامیان دونالد ترامپ سؤالاتی پرسیده است. او فهرستی از چند پرسش را برای ۳۷۳ میلیون دنبال‌کننده‌اش بازنشر می‌کند که اولین بار مت برنستین مجری پادکست منتشر کرده بود. برنستین با یادآوری اینکه ۲۵۰ روز از دوره دوم ریاست‌جمهوری ترامپ گذشته، می‌پرسد: «قیمت خواربار شما ارزان شد؟ حق بیمه سلامت شما کاهش پیدا کرد؟ توازن میان کار و زندگی‌تان اصلاح شد؟ حالا می‌توانید به تعطیلات بروید؟ خوشحال‌تر شده‌اید؟» گراند که در انتخابات از کاملاً هریس حمایت کرده بود، در پیام کنایه‌آمیز دیگری گفته بود: «کسی می‌تواند توضیح دهد که کدام جرم باعث اخراج شما از کشور و کدام جرم باعث رئیس‌جمهور شدن می‌شود؟ خیلی گیج شده‌ام.»

خاورمیانه

تدوین طرح صلح ترامپ توسط اسرائیل

کاخ سفید طرح ۲۰ ماده‌ای ترامپ برای غزه را اعلام کرد



اکتبر ۲۰۲۲ بازنداشت شده‌اند و همچنین ۱۷۰۰ نفر از جمله زنان و کودکان را آزاد خواهد کرد. با وجود اعلام حمایت شماری از کشورهای عربی از طرح ترامپ، گروه حماس تاکنون به‌صورت رسمی با آن موافقت نکرده است. ترامپ هشدار داده که در صورت عدم پذیرش این پیشنهاد، اسرائیل «پشتیبانی کامل» او را برای ادامه عملیات نظامی و «تابودی تهدید حماس» خواهد داشت.

این طرح در حاشیه نشست عمومی سازمان ملل متحد در ماه جاری در نیویورک نیز به رهبران عربی ارائه شد. به گفته منابع آمریکایی، رهبران کشورهای عربی این طرح را به‌طور کلی سازنده توصیف کرده‌اند و از ترامپ خواسته‌اند از الحاق کرانه باختری توسط اسرائیل جلوگیری کنند. استیو ویتکاف، نماینده ویژه آمریکا در امور خاورمیانه، نیز اعلام کرد که طرح ۲۱ ماده‌ای ترامپ به گونه‌ای تنظیم شده است که «همزمان دغدغه‌های اسرائیل و نگرانی‌های کشورهای منطقه» را پاسخ می‌دهد؛ اما وال‌استریت ژورنال نوشت: مقامات رسمی با برشمردن موانع جدی تحقق طرح دونالد ترامپ برای برقراری صلح در غزه، افشا کردند رژیم صهیونیستی در تدوین این طرح نقش داشته و برای برخی اصلاحات در پیش‌نویس نهایی آن اِفاشاری کرده است.

کمک‌های بشردوستانه: در صورت پذیرش توافق، کمک‌های بشردوستانه به سرعت به غزه ارسال خواهد شد. این کمک‌ها شامل بازسازی زیرساخت‌های آب، برق، فاضلاب، بیمارستان‌ها و توانایی‌ها خواهد بود. این کمک‌ها از طریق سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل و صلیب سرخ و بدون دخالت طرفین انجام خواهد شد. کمیته فنی فلسطینی و شورای صلح: غزه تحت مدیریت یک کمیته فنی و غیرسیاسی متشکل از متخصصان فلسطینی و بین‌المللی قرار خواهد گرفت. این کمیته توسط یک نهاد بین‌المللی جدید به نام «شورای صلح» نظارت خواهد شد. این شورا توسط دونالد ترامپ، تونی بلر و دیگر رهبران بین‌المللی هدایت خواهد شد.

وضعیت حماس: براساس این طرح، حماس و سایر گروه‌ها هیچ نقشی در مدیریت غزه نخواهند داشت. تمامی زیرساخت‌های نظامی و تونل‌ها تخریب شده و غزه تحت نظارت ناظران مستقل خلع سلاح خواهد شد.



پنج روز

جنیفر لوپز: طلاق از بن افلک مرا به اوج رساند!

جنیفر لوپز، ستاره ۵۶ ساله هالیوود، در مصاحبه‌ای جنجالی با «سی‌بی‌اس» اعلام کرد جدایی از بن افلک «بهترین اتفاق زندگی‌اش» بوده است. این خواننده و بازیگر که به زودی در فیلم موزیکال «بوسه زن عنکبوتی» به تهیه‌کنندگی افلک به سالن‌های سینما خواهد رفت، می‌گوید این نقش برای او ساخته شده بود و افلک با حمایت از او، راه را برای درخشش‌اش هموار کرد. لوپز و افلک که در سال ۲۰۲۲ از دواج کردند، پس از دو نامزدی نافرجام در دهه ۲۰۰۰، سرانجام‌اوت ۲۰۲۴ از هم جدا شدند. لوپز اعتراف کرد که دوران فیلمبرداری این فیلم در کنار مشکلات زندگی شخصی‌اش سخت بود اما این جدایی به رشد و خودآگاهی او کمک کرد. او تابستان امسال را «بهترین تابستان عمرش» توصیف کرد و افزود: «حالا حس می‌کنم به پرواز درآمده‌ام و هنوز می‌خواهم بالاتر بروم.»

گفت‌و‌گوی هفت‌صبح‌باشهرام گیل‌آبادی‌به‌بهانه‌نمایش «شب»

بندبازی بر فراز یرتگاه آتش

- مسئله اصلی کشور، ناترازی فرهنگی است
- این کارگردان تئاتر، ره‌اشدگی هنر توسط دولت‌ها را عامل اصلی بحران‌های اجتماعی و اقتصادی امروز ایران می‌داند و از تبدیل شدن برخی سالن‌های تئاتر به محلی برای پولشویی هشدار می‌دهد



این جا ببینید



گروه فرهنگ و هنر | در هوای غبار آلود این روزها که هر خبری طعم گس یک واقعه را می‌دهد و هر چشم‌اندازی به آینده، در مهی از تردید و عدم قطعیت فرو رفته است، بازگشتن به صحنه، آن هم با اثری به نام «شب» خود یک بیانه است. دو سال از آخرین اجرای شهرام گیل‌آبادی، کارگردان، نویسنده و مدرس تئاتر گذشته؛ دو سالی که به اندازه یک قرن، ایستن حوادث بود و جامعه را از بیج‌های هولناکی گذراند. از جنگ ۱۲ روزه تا بحران‌های داخلی، همه چیز دست به دست هم داد تا هنر، این نفس ضروری جامعه، بیش از پیش به شماره بیفتد. حالا، در میانه این آشوب، گیل‌آبادی با «شب» بازگشته است. اما این بازگشت، نه یک بازگشت ساده که خود روایتی از جنگیدن و ماندن است. برای گفت‌وگو با او که ریاست انجمن صنفی کارگردانان تئاتر ایران را نیز بر عهده دارد، به دیدار «شب» و خالقش می‌رویم. کلامش، آینه‌ای تمام‌نما از زخمی است که بر تن فرهنگ و هنر این سرزمین نشسته؛ صریح، بی‌پرده، تلخ اما آمیخته با عشقی جنون‌آمیز به صحنه. او از تئاتر نمی‌گوید، از یک نبرد می‌گوید؛ نبردی برای بقای اندیشه در زمانه ابتذال.

● پرتگاهی از آتش زیر پای هنرمند

اولین پرسش، مقایسه‌ای است میان امروز و دو سال پیش. آیا غبارها فرونشسته و راه برای هنرمند، به‌خصوص هنرمند باتجربه‌ای چون او، هموارتر شده است؟ پاسخ گیل‌آبادی، یک تصویر، یک استعاره تکان‌دهنده است که تمام مصاحبه را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد: «نمی‌دانم چه تشبیهی کنم اما تحقیقات تئاتر کردن، با توجه به زمینه‌ای که برایش ساخته‌اند، با توجه به عدم حمایتی که وجود دارد و فضای فرهنگی جامعه، مثل بندبازی روی یک پرتگاهی است که اتفاقاً پایین پرتگاه هم کاملاً آتش است.»

این تصویر هولناک، چکیده وضعیت امروز تئاتر ایران از نگاه اوست. هنرمندی که باید با ظرافت و تعادل، بر بندی نازک حرکت کند، در حالی که هر لغزش، سقوط در آتش فراموشی و ورشکستگی است. او معتقد است این پرتگاه، محصول یک

سیاست‌گذاری غلط و عامدانه است. گیل‌آبادی با قاطعیت می‌گوید: «بدون شک جامعه تئاتری، جامعه فیلم، هنر و اندیشه، در پی پیشبرد اهداف معرفتی، فکری و اندیشگی هستند و می‌خواهند به جامعه خودشان کمک کنند، می‌خواهند توسعه فکری ایجاد کنند.» اما این تلاش برای توسعه، با سدی به نام سیاست‌های فرهنگی مواجه شده است.

او انگشت اتهام را مستقیماً به سمت دولت‌ها و ایده‌ای به نام «خصوصی‌سازی» نشانه می‌رود؛ خصوصی‌سازی‌ای که به تعبیر او، راهی برای شانه خالی کردن دولت از مسئولیت ذاتی‌اش بوده است. «متأسفانه با سیاست‌های غلط فرهنگی، سیاست‌گذاران، تئاتر را به سمتی هل دادند که خصوصی‌سازی در آن استیلا پیدا کند. خصوصی‌سازی یکی از نقض‌های بزرگ فرهنگی است که به نظر می‌رسد دولت‌ها سعی کردند با آن، هنر را از سر خودشان باز بکنند. برای چه چیزی؟ برای اینکه حمایتش نکنند. در تمام دنیا حمایت از تئاتر و هنرهای متعدد، یکی از اصول جدی فرهنگی جامعه است.»

این ره‌اشدگی، به‌دردی عمیق تر ختم شده است: شرمساری هنرمند از مردمی که توان خرید بلیت را ندارند. گیل‌آبادی با بغضی که در کلامش موج می‌زند، از فروش بلیت‌های نمایش «شب» می‌گوید: «غم‌انگیزترین فروشی است که دارم در عمرم تجربه می‌کنم. چون کامنت‌های فراوانی دارم از سمت دانشجویان، از سمت علاقه‌مندان مختلفی که پول ندارند بایند تئاتر ببینند. این غم، به نظر من ظلم دولتی است که به فرهنگ شده. ظلم دولتی است که به مردم شده است. دولت‌هایی که این ظلم را مرتکب شده‌اند، واقعا باید از مردم طلب عفو بکنند.»

● ناترازی فرهنگی، ریشه بحران‌های ملی

از نگاه این کارگردان، بحران تئاتر، یک مسئله صنفی و محدود به اهالی هنر نیست. او آن را به مثابه یک «ناترازی فرهنگی جدی» می‌بیند که ریشه تمام بحران‌های دیگر کشور است. «اگر آب الان نداریم، اگر برق نداریم، اگر مشکل اقتصادی داریم، اگر دستخوش تبعات مشکلات

عديدة مختلف هستیم، بابت این است که رشد فرهنگی‌مان را دولت‌ها مختل می‌کنند. اختلال در رشد فرهنگی باعث می‌شود ما اساساً موقعیت انسانی خودمان را از دست بدهیم. باعث می‌شود شهر به مثابه خانه زندگی‌مان نباشد و مصرف آب و برق، نامتعادل و بی‌رویه شود.» او تأثیر را نه یک سرگرمی لوکس که یک دانشگاه جامع‌الاطراف برای تربیت شهروند و توسعه فکری می‌داند. هنری قدرتمند که می‌تواند به افکار عمومی شکل دهد و جامعه را در برابر پلشتی‌ها و آکسینه کند. اما وقتی این ابزار قدرتمند تضعیف می‌شود، میدان برای دیگران باز می‌شود. «اینکه می‌بینیم بعضی از تندرورها در جامعه ما عیان کار را از دست داده‌اند، عریه می‌کشند توی مجلس، اینکه وزیر ارشاد می‌ترسد از عریبه‌جوهایی که به هر طریقی دارند عریه می‌کشند، اینها همه نقص فرهنگی است. بابت این است که ما نقطه استراتژیک را برای توسعه فرهنگی خودمان از دست دادیم. گمش کردیم.»

گیل‌آبادی معتقد است در چنین فضایی، تئاتر اندیشه‌ورز، تئاتر نقاد و تحلیلگر، به خط مقدم جنگ با انحراف و نفوذ فکری تبدیل می‌شود. جنگی که از یک سو با سرمایه‌های بادآورده و پول‌های بی‌حساب و کتابی که به سمت آثار «سانتی‌مانتال و اغواگر» سرازیر می‌شوند، مواجه است و از سوی دیگر با اولویت‌های تحمیلی دولت‌ها که ذهن مردم را به سمت مسائل ثانوی و اقتصادی سوق می‌دهند و فرهنگ را به حاشیه می‌رانند.

● اقتصاد چرک و اغتشاش در صحنه

با افزایش سالن‌های خصوصی، این امید وجود داشت که فضایی برای تنفس بیشتر تئاتر ایجاد شود. اما گیل‌آبادی این پدیده را نیز با نگاهی نقادانه تحلیل می‌کند. او ضمن تأیید اینکه ورود مردم به هر حوزه‌ای یک مزیت است، آن را مشروط به سیاست‌گذاری درست می‌داند؛ چیزی که امروز وجود ندارد. «اگر سیاست‌گذاری درستی صورت نگیرد، مثل سالن‌های خصوصی حال حاضر می‌شوند. بعضی از سالن‌ها محل

«شب»، روایتی از یک خواستن

ژوله هم همینطور. یک بازی متفاوت با یک نقش متفاوت را از امیر خواهید دید که حتماً موجباً تعجب تماشاگر را به وجود خواهد آورد.»

«شب»، در عین اینکه شادی و نشاط را از تماشاگر نمی‌گیرد، حوزه‌های فکری، اندیشگی و معرفتی را نیز مطرح می‌کند تا بتواند در همان توسعه فکری که گیل‌آبادی رسالت تئاتر می‌داند، نقش آفرینی کند.

گفت‌وگو به پایان می‌رسد اما طنین کلماتش باقی است. شهرام گیل‌آبادی، خسته اما مصمم، بر همان بند نازک بر فراز پرتگاه آتش، به بندبازی خود ادامه می‌دهد. او و هم‌نسلانش، با هر اجرا، نه فقط یک نمایش که ضرورت اندیشیدن، نقد کردن و آسان بودن را به صحنه می‌آورند. «شب» شاید قصه یک سپاه‌باز باشد اما در مقیاسی بزرگ‌تر، قصه هنرمند ایرانی است که در تاریک‌ترین شب‌ها، به دنبال دیدن چهره واقعی و سفید خود می‌گردد؛ چهره‌ای که سیاست‌های غلط و اقتصاد بیمار، سال‌هاست آن را با دوده ابتذال و فراموشی، سپاه کرده است.

درباره سریال «بوقچی» که داستان‌های زندگی و خانواده را با فوتبال ترکیب می‌کند

تد لاسوی ایرانی

حسن حبیب‌زاده، کارگردان سریال جدید شبکه سه،

از چالش‌های اقتباس، قصه کارگری و انتخاب مربی بازنده‌اش می‌گوید

فاطمه برزویی
هفت صبح

در هیاهوی مستطیل سبز، همیشه قصه‌ها فراتر از ۹۰ دقیقه نفسگیر بازی جریان دارند. داستان‌هایی از رختکن‌ها، از سکوی سیمانی و از زندگی‌هایی که با هر سوت داور، زیر و رو می‌شوند. حالا تلویزیون با سریال «بوقچی»، به کارگردانی حسن حبیب‌زاده، به همین حواشی جذاب و دنیای پرتلاطم فوتبال نقبی زده است. سریالی که با حضور بازیگران شناخته شده‌ای چون بیزن امکانات و حسن پورشیرازی، پس از یک وقفه ناخواسته، به آنتن شبکه سه برگشته است تا راوی داستانی تازه در بستر این ورزش پرتلفذار باشد. به همین بهانه، با حسن حبیب‌زاده به گفت‌وگو نشستیم تا از پیچ‌وخم‌های شکل‌گیری این ایده تا رسیدن به قاب تلویزیون برآیمان بگویید؛ از قصه‌ای که رگه‌هایی آشنا دارد اما ریشه‌هایش در خاکی دیگر دوانده شده است.

● از یک فیلمنامه قدیمی تا بازطراحی یک قصه جدید

هر داستانی نقطه آغازی دارد. برای «بوقچی» این نقطه، یک فیلمنامه قدیمی بود که در باشگاه فیلم سوره خاک می‌خورد. حبیب‌زاده سراغ ماجرا را اینگونه روایت می‌کند: «یک فیلمنامه قدیمی تر نوشته آقای محسن ملکی در باشگاه سوره موجود بود. تعاملاتی با تلویزیون داشتند اما کار جلو نرفته بود. حدود خردادماه ۱۴۰۲ بود که این متن به من پیشنهاد شد. وقتی آن را خواندم، شباهت‌هایی با ایده‌هایی که در تد لاسو بود داشت که توجهم را جلب کرد اما همان‌جا گفتم که این فیلمنامه باید از نو نوشته شود.»

او معتقد بود که خط اصلی داستان و ایده اولیه، جذاب و قابل دفاع است اما برای جان گرفتن، نیاز به یک طراحی دوباره و بنیادی داشت. «گفتم باید ایده اولیه‌اش موافقم و دوست‌ش دارم، ولی اساساً باید از اول بازنویسی شود. همین شد که به همراه آقای محسن ملکی، نویسنده اولیه و یک دوست

● ریسک‌پذیری در سایه «تد لاسو»

اما شاید بزرگ‌ترین چالش «بوقچی»، سایه بلند سریالی جهانی به نام «تد لاسو» باشد؛ اثری که با ایده مربی بی‌ربط در یک تیم فوتبال، دل مخاطبان جهانی را ربود. آیا این شباهت، پاشنه آشیل سریال ایرانی نیست؟ حبیب‌زاده با صداقت و نگاهی تحلیلی به این ریسک دوطرفه اشاره می‌کند: «ببینید، این ماجرا دو وجه دارد. از یک سو، ریسک مقایسه شدن وجود دارد و طبیعتاً ممکن است اثری که ما در ایران می‌سازیم، به پای آن نمونه موفق جهانی نرسد و کسانی که نمونه خارجی را دیده‌اند، مقایسه می‌کنند و در این مقایسه، ممکن است که ما بازنده شویم.»

اما او بلافاصله روی دیگر سکه را نشان می‌دهد: «از سوی دیگر، وقتی یک ایده موفق است، ریسک سرمایه‌گذاری روی آن پایین می‌آید. شما باید بین این دو وجه محاسبه کنید و ببینید وزن کدام یک سنگین‌تر است.» کارگردان «بوقچی» تأکید می‌کند که مهم‌تر از شباهت اولیه، میزان و نسبت اقتباس است. «ما



● انتخاب مربی؛ از ۵۰ سالگی تا مرز ۷۰سالگی

در قلب هر تیم، یک مربی ایستاده است و در «بوقچی»، این نقش حساس به حسن پورشیرازی سپرده شده؛ بازیگری که این روزها با فیلم «پیر پسر» بر پرده سینما می‌درخشد. آیا او ابتدا گزینه اصلی بود؟ حبیب‌زاده از روند انتخاب نقش اولش می‌گوید: «آقای پورشیرازی پیش از این هم بازیگر بزرگ و شناخته‌شده‌ای بودند و با بزرگان سینما کار کرده بودند. طبیعتاً انتخاب بازیگر جزئیات زیادی دارد، اما یک نکته جالب وجود داشت. در ذهن من، ابتدا سن مربی حدود ۵۵ سال بود، اما بعد به این نتیجه رسیدیم که بهتر است سن او را بالاتر ببریم، بین ۶۰ تا ۷۰ سال. می‌خواستیم آن حالت بازن‌دگی و استیصال در

پولشویی و محل اقتصاد چرک شده‌اند. من نمی‌گویم اقتصاد وجود نداشته باشد اما می‌گویم اقتصاد بیمار درون فضای اقتصادی کشور نباید به فرهنگ و هنر تسری پیدا بکند، چون آن را هم با اندیشه‌های سودجویانه آلوده می‌کند.»

این اقتصاد بیمار، هنرمند و سرمد را قربانی می‌کند. گروه‌های هنری، حتی با وجود استقبال مخاطب، در محاسبات غیرانسانی و غیر اصولی برخی سالن‌داران، با شکست مالی مواجه می‌شوند و برای بقا، مجبور به تنزل کیفیت و حرکت به سوی ابتذال می‌گردند. «باید کارگردان و نویسنده چاره کار بکنند که دخل و خرجش با هم بخواند؛ باید روز به روز از کیفیتش دور شود و به چیزهایی بپردازد که سوی ابتذال عمیقی دارد و جامعه را به سمت ابتذال سوق می‌دهد. ما با یک فاجعه در فضای هنری مواجهیم.»

این فاجعه، به پدیده‌های نوظهور دیگری نیز دامن زده است: حضور بی‌ضابطه بلاگرها و خوانندگان موسیقی رپ در تئاتر. گیل‌آبادی این پدیده را «یک غشاش» می‌نامد. «وقتی بستر تولید اثر هنری را از راسته کردید و عدم سیاست‌گذاری داشتید، با یک اغتشاش مواجه می‌شوید که هر کسی می‌تواند هر کاری بکند.» او مخالف حضور جوانان با چهره‌های جدید نیست، اما با استفاده ابزاری از آنها برای جذب فالوئر به جای مخاطب که بلاگرها ورود پیدا کنند که مخاطب جذب شود. او دیگر مخاطب تئاتر نیست، او فالوئر آن بلاگر است. شما اغتشاش در بازار تئاتر به وجود می‌آورد.»

او به قرارداد‌های گزافی اشاره می‌کند که با برخی خوانندگان رپ بسته می‌شود تا از «حصر انگاری» خودشان برای کشاندن تماشاگر به سالن استفاده کنند. گیل‌آبادی این سیاست را نیز غلط می‌داند و می‌پرسد: «چرا موسیقی رپ که یک موسیقی اعتراضی فوق‌العاده است، نباید مجوز بگیرد و به رسمیت شناخته شود تا مجبور نباشیم برای استفاده از پتانسیل آن، وارد چنین بازی‌های غلطی شویم؟ اینجا هم سکوت و بی‌سیاستی دولتمردان، باعث شکست در فضای فرهنگی شده است.»



>

اما شاید بزرگ‌ترین چالش «بوقچی»، سایه بلند سریالی جهانی به نام «تد لاسو» باشد؛ اثری که با ایده مربی بی‌ربط در یک تیم فوتبال، دل مخاطبان جهانی را ربود. آیا این شباهت، پاشنه آشیل سریال ایرانی نیست؟



چهره و هویت بیشتر حس

شود.» با این تغییر استراتژی، گزینه‌ها محدودتر شدند و همه نگاه‌ها به سمت یک نام چرخید. «وقتی به این سن رسیدیم، آقای پورشیرازی گزینه اول ما بود و خوشبختانه همه اعضای تیم برسر انتخاب ایشان اتفاق نظر داشتند و این همکاری شکل گرفت.»

● روایت یک داستان سرراست

هدف کارگردان از ساخت «بوقچی» چه بوده است؟ حسن حبیب‌زاده پاسخ را در یک کلمه خلاصه می‌کند: «داستان‌گویی». او می‌گوید: «برای من، چه در بازنویسی و چه در کارگردانی، اصل مسئله این بود که بتوانم یک داستان سرراست تعریف کنم. تمام تلاشم این بود که برای مدیوم تلویزیون، عناصر داستان درست سر جایشان باشند؛ از شخصیت‌پردازی و منطق روایی گرفته تا جهانی که خلق می‌کنیم. می‌خواستیم در عین حال که به فوتبال به عنوان یک ورزش محبوب می‌پردازیم، یک فضای مفرح و خوش‌قصه داشته باشیم و در کنارش روابط انسانی و احساسات آدم‌ها را نیز به تصویر بکشیم. اگر این داستان‌گویی برای مخاطب مطلوب باشد و از آن لذت ببرم، من به بزرگ‌ترین هدفی که داشتم، رسیدم.» حالا باید منتظر ماند و دید که سوت «بوقچی» در تلویزیون، تا چه اندازه می‌تواند تماشاگران را با این قصه انسانی و ورزشی همراه کند.

مزایده بنیاد مستضعفان برای اراضی جنگلی جلگه‌ای شمال؛

آیا فروش با رعایت قوانین حفاظت منابع طبیعی هماهنگ است؟

حراج ریه‌های کلاردشت

● زمین کلاردشت یکی از ۱۰ هکتاری‌هاست و خریدار حق تغییر کاربری ندارد،

اجرای طرح اولیه الزامی و تخلف از آن جرم محسوب می‌شود

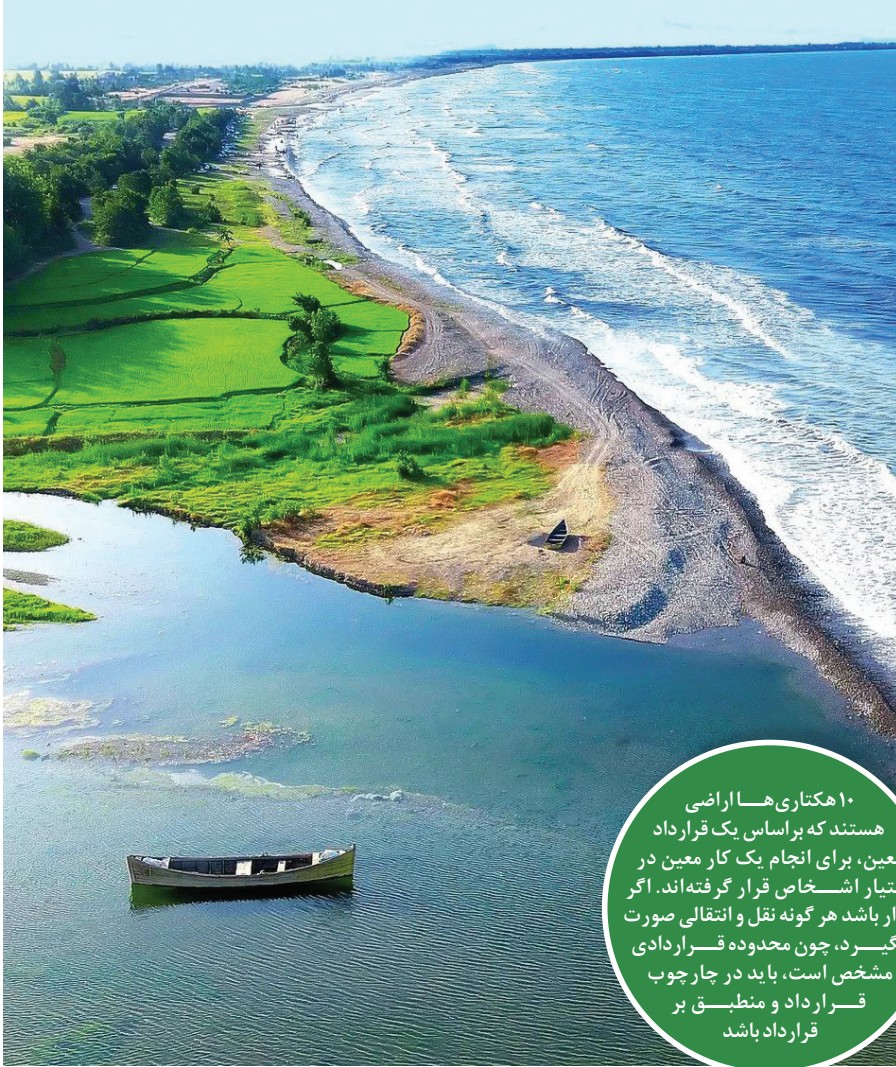
● تصاویر ماهواره‌ای نشان می‌دهد اجرای طرح اولیه قطعات ۱۰ هکتاری از انقلاب تاکنون انجام نشده‌و اوندک در ختان باقی مانده نیز در حال حذف هستند



لیلا مرگن

هفت صبح

بنیاد مستضعفان طی امسال دو فقره مزایده برای واگذاری اراضی جنگلی جلگه‌ای شمال برگزار کرده و به‌نظر می‌رسد چوب حراج به اموالش زده است. زمین کلارآباد که در واقع یکی از قطعات موسوم به ۱۰ هکتاری است، در حالی آبان ماه امسال به مزایده گذاشته می‌شود که یک حقوقدان منابع طبیعی هر گونه انتقال سند در ۱۰ هکتاری‌ها در حالتی غیر از قراردادی را ممنوع می‌داند و مدیر کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان مازندران نوشهر نیز مدعی است که خریدار زمین کلارآباد را مجبور خواهد کرد تا طرح اولیه این قطعه را اجرا کند!



۱۰هکتاری‌ها اراضی هستند که بر اساس یک قرارداد معین، برای انجام یک کار معین در اختیار اشخاص قرار گرفته‌اند. اگر قرار باشد هر گونه نقل و انتقالی صورت بگیرد، چون محدوده قراردادی مشخص است، باید در چار چوب قرارداد و منطبق بر قرارداد باشد

گزارش

گواهینامه؛ الزامی که موتورسواران به آن اهمیت نمی‌دهند

موتورسواری غیر قانونی

رانندگی بدون گواهینامه جرم است و متخلفان به مراجع قضایی معرفی می‌شوند

با آن که به استناد ماده یک آیین نامه صدور انواع گواهینامه رانندگی مصوب سال ۱۳۹۰ هیئت وزیران، رانندگی باهرونوع وسیله نقلیه موتوروی زمینی مستلزم داشتن گواهینامه رانندگی متناسب با آن وسیله‌است، هنوز گروهی از شهروندان مدعی‌اند که موتور، اسکوترهای برقی و دوچرخه از این قاعده مستثنا هستند.

همین ادعا باعث شده تا شهر پرباشد از موتورهایی که راکبان آنها را اکثرا جوانان و افرادی تشکیل می‌دهند که اصالتیازی به گرفتن گواهینامه برای تردهایشان با موتور را احساس نمی‌کنند!

● **دست به دامن طرح یک روزه**

این رویه باعث شد تا سردار سید کمال هادیايفر، رئیس پلیس وقت راهور در خرداد ماه ۱۴۰۲ رسماً خبر از اجرای طرحی بدهد که بر اساس آن به موتورسواران، یک روزه گواهینامه می‌دادند.

وی آن زمان گفته بود، طبق آمارهای پلیس راهنمایی و رانندگی، شش میلیون و ۸۰۰ هزار نفر در کشور از موتورسیکلت استفاده می‌کنند، اما فاقد گواهینامه موتورسیکلت هستند. اگر با همین روال عادی و جاری بخواهیم کاری کنیم که این افراد گواهینامه موتورسیکلت دریافت کنند، بیش از ۴۰ سال زمان لازم است. به همین دلیل نیز طرح ارائه یک روزه گواهینامه موتورسیکلت طراحی شد. دلایلی که منجر به عدم دریافت گواهینامه موتورسیکلت از سوی موتورسیکلت سواران شده شامل مشکلاتی مانند گرانی، طولانی شدن فرایند دریافت گواهینامه ... است.

● **طرحی با سابقه تاریخی**

گرچه در دهه‌های گذشته نیز مشابه همین طرح در سطح کشور اجرا شده بود و متقاضیان گواهینامه موتورسیکلت، همزمان آزمون آیین‌نامه و شهری موتور را در یک روز می‌دادند و می‌توانستند گواهینامه خود را دریافت کنند.

بنیاد مستضعفان و جانبازان از ابتدای

امسال با برگزاری دو فقره مزایده،

برای اراضی جنگلی جلگه‌ای شمال،

چوب حراج به این اموال زده است.

بر اساس اطلاعات موجود در

«خبرگزاری مناقصات و مزایدات

کل کشور» این مجموعه در خرداد

ماه سه دانگ از شش‌دانگ زمینی واقع

در نشتارود – سرفقیه آباد – ردیف ۴۳

به مساحت تقریبی ۴۵ هزار متر مربع را به

قیمت پنج میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان به مزایده

گذاشته است. بر اساس داده‌های سایت بنیاد مستضعفان این

مجموعه در مهر ماه قصد دارد مزایده فروش استثنایی یکی از

وسیع‌ترین اراضی جنگلی و جلگه‌ای در مازندران را اجرایی کند.

بر اساس اطلاعات منتشر شده، این زمین نزدیک به ۹۸،۱ هکتار

وسعت داشته و به قیمت ۱۹۶ میلیارد تومان به فروش خواهد

رسید. قطعه زمین موجود در کلار آباد، یکی از قطعات موسوم به

۱۰ هکتاری‌هاست که بیش از ۶ده محل مناقشه بوده است.

● **چرا ۱۰ هکتاری‌ها مورد مناقشه است؟**

بیش از ۶ده قبل، در همان سال هایی که درآمدهای نفتی ایران رشد چشمگیر یافت و شاه سودای تبدیل ایران به کشوری مدرن را در سر می‌پروراند، پای کار شناسان خارجی به ایران باز شد. در آن سال‌ها کار شناسان فائو تصمیم گرفتند که برای بهبود شرایط معیشتی مردم، اراضی جنگلی جلگه‌ای شمال را که جزئی از اراضی ملی به حساب می‌آمد، در قالب طرح‌هایی مشخص برای تولید علوفه، غذا یا تولید چوب به صورت اجاره در اختیار جامعه محلی قرار دهند تا وابستگی مردم به عرصه‌های جنگلی شمال کاهش یافته و زمینه بهبود معیشت مردم در سرزمینی که صنعتی شدن در آن مسالوی با حذف جنگل‌ها بود، فراهم شود. قرار بود اگر طرح‌ها به درستی و در زمان معین اجرا شد، زمینه انتقال سند مالکیت برای مالکان زمین هم فراهم شود اما نه تنها طرحی اجرا نشد، بلکه با انحرافاتى که در جریان طرح ایجاد شد، سندهایی هم برای مالکان قطعات ۱۰ هکتاری صادر شد. خیلی زمان زیادی طول نکشید که طرح فائو منحرف شد. در ختان جنگل‌های جلگه‌ای شمال تراشیده شدند تا زمین‌های حاصله به قطعاتی در ابعاد مختلف تقسیم شده و برای تحقق اهداف طرح بین مردم توزیع شوند اما به جای عمل به برنامه‌ها و توزیع زمین با هدف توسعه کشاورزی، تولید علوفه یا چوب، این قطعات بین امرای ارتش، اساتید دانشگاه و حتی برخی روزنامه‌نگاران توزیع شد. سیاستی که به قیمت حذف توسکای فشاقلی و بسیاری از گونه‌های گیاهی مناطق جنگلی جلگه‌ای ایران تمام شد همچنین نسل گونه‌های جانوری وابسته به اراضی جنگلی جلگه‌ای را منقرض کرد، به جای آنکه مردمی بر زخم‌های جامعه محلی باشند، به‌الزای برای توزیع ثروت در میان ذی‌نفعان دربار تبدیل شد. بر اساس اسناد موجود، فقط در یک فقره تمام اعضای یک خانواده پنج نفره موفق شده بودند پنج قطعه زمین از وزارت منابع طبیعی دریافت کنند. هرگز حذف جنگل‌های جلگه‌ای ایران منجر به تولید غذای بیشتر در کشور نشد و حتی میل به تخریب جنگل در ساکنان شمال را تقویت کرد. این اراضی که بعدها به ۱۰ هکتاری‌ها شهرت یافتند، حتی زمینه انحلال وزارت منابع طبیعی را هم فراهم کردند و ناراضیانی‌های ناشی از توزیع غیر عادلانه زمین در میان امرای ارتش باعث شد که با امضای شاه، وزارتخانه منابع طبیعی بعد از چهار سال فعالیت منحل شود و ۱۰ هکتاری‌ها مثل استخوانی لای زخم، تبدیل به میراثی برای منابع طبیعی کشور شود. بعد از انقلاب، قطعات متعلق به امرای ارتش و افرادی که از کشور متواری شده بودند، مصادره و در اختیار بنیاد مستضعفان قرار گرفت و در برخی موارد هم شاهد تغییر کاربری این قطعات به اشکال مختلف بودیم. حالا بنیاد مستضعفان قصد دارد یکی از این قطعات را به فروش برساند. آیا این مجموعه‌از نظر حقوقی می‌تواند چنین زمینی را به دیگر افراد واگذار کند؟

● **خریدار زمین کلاردشت ملزم به اجرای طرح اولیه**

مهرداد خزانی پول مدیر کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان مازندران نوشهر درباره فروش دو قطعه زمین جنگلی جلگه‌ای از سوی بنیاد مستضعفان به «هفت صبح» می‌گوید: قطعه‌ای که در نشتارود واقع شده، مستثنیات مردم است و ارتباطی با

منابع طبیعی ندارد اما قطعه کلاردشت یکی

از قطعات موسوم به ۱۰ هکتاری است. به اعتقاد او

فروش قطعات ۱۰ هکتاری از سوی سازمان‌ها از نظر حقوقی و

قانونی اشکالی ندارد اما خریدار این زمین حق ندارند که آن را تغییر

کاربری دهد زیرا در سندن آن نوشته‌است که بر اساس ماده ۳۶ و ۴۱

قانون حفاظت و حمایت، حق تفکیک و تغییر کاربری این زمین

وجود ندارد. کسی که زمین را خریداری می‌کند، باید شرایط را

رعایت کرده و اگر این کار را نکند، مجرم شناخته می‌شود. مدیر کل

منابع طبیعی و آبخیزداری استان مازندران نوشهر مدعی است

که خریدار باید همان طرح اولیه زمین خریداری شده که شامل

کاشت گونه شمر و یا غیر شمر است را ادامه دهد. زیرا خریدار

زمین بنیاد باید خودش باهوش باشد و منابع طبیعی نمی‌تواند در

خرید و فروش اموال بنیاد مستضعفان دخالت کند اما اگر خریدار

زمین به منابع طبیعی مراجعه کند، برایش توضیح می‌دهیم که

حق تغییر کاربری زمینی که خریده است را ندارد. همه شرایط ۱۰

هکتاری‌ها را می‌دانند.

● **امکان انتقال قراردادی، در اراضی جنگلی جلگه‌ای**

مصطفی نوری، مشاور حقوقی و پارلمانی منابع طبیعی نیز در

گفت‌وگو با «هفت صبح» درباره شرایط واگذاری قطعات موسوم

به ۱۰ هکتاری بیان می‌کند: ۱۰ هکتاری‌ها اراضی هستند که

بر اساس یک قرارداد معین، برای انجام یک کار معین در اختیار

اشخاص قرار گرفته‌اند. اگر قرار باشد هر گونه نقل و انتقالی

صورت بگیرد، چون محدوده قراردادی مشخص است، باید در

چارچوب قرارداد و منطبق بر قرارداد باشد. یعنی شخصی که

گیرنده است، باید در حدود همان قرارداد عمل کند. هر گونه

تغییر کاربری زمین ممنوع است و نقل و انتقال مالکیت چنین

زمینی مطلقاً ممنوع است؛ زیرا قرارداد موجود است و این زمین

برای کار معینی به افراد اختصاص داده شده است. اگر واگذاری

خارج از آن قرارداد باشد، قابلیت فسخ و اعاده زمین به وضع سابق

وجود دارد و عرصه در اختیار باید مالکانه دولت قرار خواهد گرفت.

به گفته این حقوق‌دان منابع طبیعی، قطعات موسوم به ۱۰

هکتاری قابلیت نقل و انتقال قراردادی دارد. بر اساس قانون

حفاظت و بهره‌برداری، قرار شده است که ما اراضی ملی را اجاره

بدهیم. بنابراین اگر قصد واگذاری زمینی که مشمول این قانون

است را داشته باشیم، فقط می‌توانیم منافع آن را منتقل کنیم اما

هیچ جا امکان انتقال مالکیت اراضی ملی وجود ندارد. بر اساس

قوانین حاکم، انتقال مالکیت اموال عمومی ممنوع است و این

اموال قابلیت انتقال ندارند؛ بنابراین برای ۱۰ هکتاری‌ها هم

مالکیت عرصه کماکان باید در اختیار دولت باشد و اجازه داده

می‌شود در عرصه‌های معین بر اساس قراردادی که به استناد

همان قرارداد ۱۰ هکتاری منعقد شده، عمل شود و تغییر کاربری

هم ممنوع است. تصاویر ماهواره‌ای موجود نشان می‌دهد که در

قطعه ۱۰ هکتاری بنیاد مستضعفان با گذشت ۴۶ سال از پیروزی

انقلاب اسلامی هیچ طرحی اجرا نشده است. در واقع نه تنها

نشانی از اجرای طرح وجود ندارد، بلکه اندک درختان موجود در

این قطعه هم به تدریج حذف شده‌اند. در شرایطی که متولیان

سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور در طی این سال‌ها

نتوانسته بنیاد مستضعفان را که یک نهاد حاکمیتی است، مجبور

به اجرای طرح اولیه این قطعه کنند، آیا می‌توان امیدوار بود که

مثلاً یک خریدار خصوصی با خرید این قطعه گران، تن به اجرای

طرح اولیه زمین بدهد؟



● **دوچرخه سواری در محل‌های پر تردد؛ ممنوع!**

اما علاوه بر موتور‌ها، طی چند سال اخیر تهران و بسیاری از دیگر شهرهای بزرگ کشور، شاهد ظهور دوباره دوچرخه سواری هستند که برای تردد در معابر و خیابان‌ها از این وسیله استفاده می‌کنند تا هم ورزشی کرده باشند و هم

در ترافیک گیر نکنند. ولی در عین حال، آمار تصادف‌های ثبت شده از دوچرخه‌سواران نگران کننده است. سرهنگ فیروز کشیر معاون اجتماعی و فرهنگی پلیس راهور تهران بزرگ می‌گوید که بر اساس آمار، سال گذشته ۴۰ فقره تصادف خسارتی، ۱۲۴ مورد تصادف جرحی رخ داد و ۲ فقره تصادف فوتی برای دوچرخه سواران رخ داد. موضوعی که نشان می‌دهد «دوچرخه» نیز می‌تواند خطرناک باشد.

اما آیا رانندگی با دوچرخه نیز نیاز به گواهینامه دارد یا خیر؟ سوالی که کشیر در پاسخ به آن می‌گوید: دوچرخه وسیله نقلیه‌ای است که سرعت پائینی دارد، موتور ندارد و بیشتر در اماکن سر بسته و ورزشی استفاده می‌شود؛ بنابراین نیاز به گواهینامه ندارد؛ اما راکبان آن باید قوانین را رعایت کنند تا در امان بمانند. با این حال وی تاکید می‌کند که تردد دوچرخه‌سوار در خیابان‌های شلوغ ممنوع است: «بر اساس ماده ۱۶۷ آئین‌نامه راهنمایی و رانندگی عبور موتور گازی، موتورسیکلت و دوچرخه از پیاده‌رو، وسط دسته‌ها، بازار و نقاط شلوغ ممنوع است و در واقع دوچرخه‌ها باید از محل قضایی معرفی می‌نمایند.

● **مجازات قانونی**

با تمام این تفصیله هنوز یک سوال باقی می‌ماند. اینکه موتورسواری و کلاراندگی بدون گواهینامه چه مجازاتی را به دنبال دارد؟ سوالی که سرهنگ کرمی‌اسد در پاسخ به آن می‌گوید: شاید خیلی‌ها ندانند که رانندگی بدون گواهینامه چه تبعاتی را برای آنها به همراه دارد. مطابق ماده ۷۲۳ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) رانندگی بدون داشتن گواهینامه با هرونوع وسیله نقلیه خوردویی و موتوری تخلف نبوده؛ بلکه جرم محسوب می‌گردد و همکاران ما در صورت مشاهده، ضمن متوقف کردن وسیله نقلیه، متخلف را به مراجع قضایی معرفی می‌نمایند.

تلنگر

افسردگی ایرانی‌ها طی دو دهه روندی صعودی و

نگران کننده داشته است

غم بی صدا

اختلالات روانی اگر کنترل نشوند به بحرانی ملی و

اجتماعی تبدیل خواهند شد



● **حمیدرضا خالدي**

هفت صبح

سمیرا، کارگر یک کارگاه تولیدی لباس‌های کار در جنوب تهران است. سرپرست خانواده‌ای با دو دختر ۸و ۱۰ساله که مجبور است از صبح تا عصر را در کارگاه کار کند تا آخر ماه ۷ میلیون تومان حقوق بگیرد! خودش می‌گوید: «خندیدن را از یاد برده‌ام. یادم نمی‌آید آخرین بار کی واقعا خندیدم. تمام زندگیم شده در جازدن و تلاش و صبح را به شب رساندن؛ صبح تا عصر در کارگاه برای ۷ میلیون کار می‌کنم و عصرها می‌روم خانه مردم کارگری. اما با هم هر ماه کرایه خانه‌ام عقب می‌افتد! شرمندۀ بچه‌هام هستم. چون دیگر نمی‌توانم حتی برنج و گوشت بخرم برای غذای بچه‌ها چه برسد به موز و لباس و جشن تولد ...» پارچه‌ای را زیر سوزن‌های چرخ خیاطی‌اش می‌گذارد؛ انگار که می‌خواهد خاطراتش را با زیر چرخ خیاطی به هم بدوزد و پشت سرم بکند. برای اینکه سرو ته حرفش را جمع کند می‌گوید: «دیگر می‌ترسم به خودم در آینه نگاه کنم! از اینکهم روزها و سال‌هایی که هر روز بدون هدف و بی‌پهوده پشت سرم می‌آیند و می‌روند، خسته‌ام. واقعا دوست دارم که یک شب بخواهم و دیگر بلند نشوم. اما بچه‌ها هم چه خواهند شد!...»

بر اساس داده‌های تازه‌ای که دبیر علمی سی‌ونهمین کنگره روانپزشکان ایران ارائه داده است، نرخ ابتلا به افسردگی در کشور به حدود ۹ درصد رسیده است. مدیر کل دفتر سلامت روانی، اجتماعی و اعتیاد وزارت بهداشت، این رقم را ۱۳/۷ درصد عنوان کرده و از آن به عنوان شایع‌ترین بیماری روانی در جامعه یاد می‌کند.

● **از ۱۴ تا ۲۵ درصد**

آمار افسردگی در ایران طی دو دهه گذشته روندی افزایشی را نشان می‌دهد به‌طوری‌که در دهه ۹۰ شمسی، آمار افراد افسرده در ایران نسبت به دهه ۷۰ شمسی رشد داشته و از ۴٫۶ درصد در سال ۱۳۷۹ به ۵٫۰۹ درصد سال ۱۳۹۸ رسیده است.

گرچه آمارهای ارائه شده متفاوت هستند. بر اساس آمار افسردگی در ایران بر اساس گفته دبیر علمی سی‌ونهمین کنگره روانپزشکان ایران؛ در جمعیت مردان ایرانی به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر ۳۹۴ نفر و در زنان به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر، ۵۰۳ نفر بوده است. این در حالی است که طبق آخرین آمار جهانی ابتلا به بیماری افسردگی در هر ۱۰۰ هزار نفر از جمعیت مردان بیش از ۳۵۰۰ مورد و در جمعیت زنان نزدیک به ۵ هزار مورد است. حالا و در آخرین اظهار نظر در این زمینه دکتر محمدرضا ششالیافان – مدیر کل دفتر سلامت روانی، اجتماعی و اعتیاد وزارت بهداشت درباره شایع‌ترین اختلالات سلامت روان در میان ایرانی‌ها گفته که افسردگی، با ۱۳٫۷ درصد، شایع‌ترین اختلال سلامت روان در جامعه است و در صدر اختلالات روانپزشکی قرار دارد. به گفته وی میزان شیوع دسته اختلالات خلقی نیز ۱۶ درصد است که شامل افسردگی، انواع اختلالات دوقطبی و سایر اختلالات خلقی می‌شود. همچنین مجموع اختلالات اضطرابی که شامل مواردی مانند اختلال پانیک، اضطراب فراگیر و ... می‌شود، ۱۳٫۷ درصد است.

اما موسوی چلک، رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران، آمار افسرده‌ها را بسیار بیشتر از اینها می‌داند و معتقد است که حدود ۲۳ تا ۲۵ درصد مردم ایران، یعنی تقریباً یک‌چهارم جمعیت، با نوعی از اختلالات روانی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. به گفته وی سبک زندگی شهری و روند توسعه، گرچه مزایای بسیاری به همراه داشته، اما در کنار آن فشارهای روانی و بی‌ثباتی‌های عاطفی نیز افزایش یافته‌اند. جامعه ایرانی نیز از این قاعده مستثنا نیست.

● **عواملی که مردم را افسرده می‌کند**

افسردگی عارضه‌ای پیچیده است که معمولاً توسط ترکیب عوامل مختلف تشکیل می‌شود. عواملی که شاید بتوان آنها را در زیر خلاصه کرد: عوامل ژنتیکی، تغییرات شیمیایی در مغز، عوامل محیطی و رویدادهای استرس‌زا، بیماری‌های جسمی، اعتیاد به مواد مخدر، عوامل اجتماعی و فرهنگی، مشکلات روان‌شناختی، مسائل مرتبط با هویت‌ها و... واقعیت این است در سال‌های اخیر، جامعه ایران با موجی از تنش‌های اقتصادی و اجتماعی مواجه شده که تأثیر مستقیمی بر وضعیت روانی مردم گذاشته است. دکتر سید مهدی صمیمی اردستانی، روانپزشک، معتقد است که باید میان «بیماری روانی» و «حال خوب نداشتن» تمایز قایل شد. بسیاری از مردم ممکن است از نظر بالینی بیمار نباشند، اما درگیر اضطراب و فشارهایی هستند که زندگی روزمره‌شان را تحت‌الشعاع قرار داده است. عواملی که بر اساس برخی رده‌بندی‌ها، باعث شده تا ایران دومین کشور غمگین جهان باشد. چالشی آنچنان جدی که اگر سیستم سلامت و درمان کشور هر چه سریعتر فکری برای آن نکند و به کمک دولت درصد کاهش عوامل تشدید افسردگی در بین شهروندان نباشد، ممکن است در آینده به بحرانی جدی برای جامعه بدل شود.



استرس چگونه میزبانی را نابود کرد؟

اعتماد به نفس؛ کابوس تراکتور

۱۹۹۶ ایران ابتدا دو بر یک از حریف عقب افتاد و بعد ۵ گل زد و یاد بازی بااسترالیا،ابتدا تیم ملی ۲برصفر عقب افتاد و در ادامه به بازی برگشت و دو گل را جبران کرد. در جام جهانی ۱۹۹۸ تیم ایران در بازی با یوگسلاوی اقتدر تحت تاثیر استرس بازی بود که شکست خورد و بعدها بازیکنان همان تیم اعتراف کردند که اگر نمی ترسیدند می توانستند این تیم پرستاره راشکست دهند.

این اتفاق برای تراکتور هم افتاد و در حالی که می توانست از ظرفیت سکوها و موقعیت میزبانی استفاده کند، نیمه اول را باسردگمی حاصل از استرس و بی اعتماد به نفسی سیری کرد اما هرچه به پایان بازی نزدیک شدیم، شاگردان اسکوچیچ به خود آمده و تاملرز پیروزی بر یاران ژوزه موراس پیش رفتند، به نظر بخشد از مشکلات فوتبال ایران در رقابت های بین المللی ظرفیت روحی و اعتماد به نفس باشد و شاید بسیاری از شکست ها حاصل همین موضوع...

سکوت عجیب انجمن ورزشی نویسان در مورد رضادرویش

انجمن نویسندگان، خبرنگاران و عکاسان ورزشی نسبت به مصاحبه زشت و توهین آمیز رضادرویش علیه رسانه ها واکنشی نشان نداد

مدیرعامل باشگاه پرسپولیس درحالی به همکاران رسانه ای مانگ دلای می زند که هنوز افکار عمومی پاسخ صریح و روشنی بابت جذب مجتبی فخریان و پرداخت رضایتنامه بابت بازیکن آزاد دریافت نکرده اند! همچنین رضا درویش توضیح کافی در خصوص پرداخت ۴۰۰ هزار دلاری زبان به سردار دورسون برای فسخ قراردادش نداده است. اینکه این پول فقط به تنهایی به سردار دورسون رسیده یا تقسیم بر ۱۸ شده است را نمی دانیم، آنچه می دانیم انگ دلای است که به خیلی ها در این فوتبال می خورد اما ...

به نظر می رسد رضا درویش خسته و کلافه از پرسش های فنی، غیر فنی و عجیب و غریب نمایندگان مجلس نزد خبرنگاران رسانه های گروهی رفت و با مصیبت جواب همکاران را مار داد. مدیرعامل باشگاه پرسپولیس ظاهرا جلوی نمایندگان مجلس کم آورده و نتوانسته بود پاسخ آنها را بدهد و با ذهنیت منفی تصمیم گرفت دق و دلی فراسکسیون ورزش را بر سر اهالی رسانه خالی کند! از آن بدتر سسکوت انجمن نویسندگان ورزشی در قبال توهین مدیرعامل باشگاه پرسپولیس است که جای هیچ توجیهی ندارد. انتظار می رفت انجمن نویسندگان، خبرنگاران و عکاسان ورزشی پشت رسانه ها را در این یک مورد خاص خالی نکنند اما ترجیح داد سکوت کرده و تماشاگر توهین های مدیرعامل باشگاه پرسپولیس باشد.

مهمی از زمان بازی نداشت؟! شاید ریشه این موضوع به یک ویژگی! فرهنگی بازگردد. افشین قطبی سرمربی پرسپولیس در سال های قبل، پیش از یک مسابقه شهرآورد با استقلال تمام برنامه اش را برای بازی تهاجمی گذاشته بود اما با شروع بازی شرایط طور دیگری پیش رفت. استقلال که از نظر مهره در موضع ضعیف تر بود نمایش بهتری داشت و گل هم زد اما هرچه از زمان بازی گذشت پرسپولیس مسلط شده و در نهایت بازی مساوی شد. قطبی در پایان این بازی اذعان کرد که با وجود تمام برنامه ریزی ها برای بازی تهاجمی و گل زدن به حریف، اما بازیکنان تیمش بعد از شروع بازی ناخوداگاه و به طور غریزی تحت تاثیر استرس و فشار سکوها و ترس از باخت، عقب نشسته بودند. قطبی این را یک ویژگی منفی در بازیکنان ایرانی دانست و شاید او درست می گفت. نگاهی به بهترین بازی های فوتبال ایران، بازگشت بوده اند. در بازی مرحله یک چهارم نهایی برابر کره در جام ملت های

تراکتور در شی که مقابل چشم پنجاه هزار هوادار مشتاقش به میدان رفته بود نتوانست از پس الوحده امارات بربیاید و دومین تساوی اش در لیگ نخبگان را کسب کرد. این نتیجه در حالی رقم خورد که آخرین برسد تراکتور در یک مسابقه آسیایی در تبریز، مربوط به ۱۰ سال و نیم پیش است. زمانی که این تیم با هدایت امیر قلعه نویی توانست النصر امارات را با حمایت هوادارانش شکست دهد. هر چند در سال های بعد از آن بسیاری از بازی های آسیایی تیم های ایرانی خارج از کشور و در کشورهای ثالث برگزار شدند اما تراکتور در آخرین بازی برابر الوحده نتوانست از ظرفیت بالای سکوها و انرژی میزبانی استفاده کند.

نیمه اول بازی با تراکتور، کاملا به سود رقیب پیش رفت اما هرچه از زمان بازی گذشت شاگردان اسکوچیچ بر بازی مسلط شدند، طوری که اگر زمان بیشتری باقی مانده بود احتمال داشت دروازه حریف را باز کند. اما چرا تراکتور چنین نمایشی را در نیمه اول و بخش

تهاجمی خیلی به تیم کمک کند اما به هر حال این نقل

و انتقالات تابستانی به پایان رسید. تعجب من این است که چرا باید بازیکنی با دو میلیون دلار خریداری شود آن هم برای نیمکت؟!

منظور شما سعید سحر خیزان است؟

مشخص است چه کسی را می گویم. نازون چه کار کرده است؟ استقلال همیشه مهاجمان بزرگی داشته ولی الان در خط حمله به مشکل خورده است. هیچ یک از مهاجمان نوک استقلال کار آیی لازم را ندارند.

با این شرایط فکر می کنید ریکاردو ساپینتو برف زمستان را خواهد دید؟

ساپینتو مربی خوبی است و برف زمستان را هم می بیند. او نیاز به کمی زمان دارد که تیمش را هماهنگ تر کرده و با شرایط بهتری به مصاف حریفان برود. استقلالی ها هم به او اعتماد دارند و ان شاءالله او در استقلال موفق خواهد شد.



نقد ستار همدانی به خرید های میلیاردی استقلال و عملکرد ضعیف بازیکنان

نیمکت گران، بازده پایین

باز کشت ستاره های ملی مانند مهدی قایدی یا جذب محمد مجبی، می تواند فاز تهاجمی تیم را بهبود ببخشد و نتیجه بخش باشد

حفظ می کردید؟

نمی دانم! بستگی به شرایط دارد و الان آنچه مشخص است نقطه ضعف استقلال در درون دروازه است. آدان شاید قبلا گلر خوبی بوده ولی الان ۳۸ ساله شده و یک سال هم گلری نکرده بود.

در خط دفاع تیم استقلال خیلی آشفته به نظر می رسد. شما هم سابقه بازی در خط دفاع را داشته اید. در این رابطه صحبتی ندارید؟

استقلال بیشتر از هر چیزی از بالانس نبودن رنج می برد. کلی وینگر خریداری شده اما این تیم هافبک وسط و دفاع میانی کم اشتباه به اندازه کافی ندارد. شاید با بازگشت آشورماتوف شرایط در خط دفاع کمی عوض شود. این بازیکن ملی پوش از یک مدافع خوب و کم اشتباهی است.

شما مدعی شدید با این پول ها می شد

مهدی قایدی را به استقلال برگرداند

اما از یک منبع موثق شنیدیم که این ستاره ملی پوش به استقلال باز نخواهد گشت؟

مهدی قایدی می آید اما اگر هم نیاید می توان محمد محبی را از روسیه به تهران آورد. محمد محبی بازیکن فیکس تیم ملی است که می تواند در فاز

به گزارش هفت صبح ورزشی، یکی دو روز پیش به صورت اتفاقی با ستار همدانی برخورد کردیم.

هافبک میانی سابق استقلال که به عنوان دفاع وسط هم برای این تیم و تیم ملی بازی می کرد.

ستار همدانی نسبت به خرید های این فصل تیم استقلال انتقاداتی داشت که در زیر می توانید بخوانید.

بهترین خرید امسال تیم استقلال کدام بازیکن بوده است؟

هنوز ما بهترین خریدی از استقلال ندیدیم. شما از درون دروازه بگیرید تا نوک حمله بازیکنانی خریداری شده اند که کیفیت بالایی نشان نداده اند. من نمی خواهم با عینک بدبینی به این خرید های تابستانی نگاه کنم اما به نظر می رسد بیشتر ریخت و پاش شده باشد.

برخی ها معتقدند جواب کردن سیدحسین حسینی از استقلال کار اشتباهی بوده است؟

اگر اشتباه نکنم سیدحسین با نظر خود ریکاردو ساپینتو جواب شد. به هر حال هر سرمربی یک ایده هایی دارد و بر اساس آن یک بازیکن را نگه داشته یا یکی را جواب می کند. من می گویم این نظر ساپینتو بوده اما اگر قرار است سیدحسین حسینی برود باید یک دروازه بان مطمئن خریداری می شد.

شما نسبت به بینایی آدان هم معترض بودید. درست است؟

گل هایی که این دروازه بان اسپانیایی می خورد عادی نیست. من پیشنهاد می دهم یک بار دیگر او را به چشم پزشکی بفرستند تا مطمئن شوند بینایی اش مشکل ندارد.

اگر دست شما بود، سیدحسین حسینی را

بازیکن سابق استقلال می گوید با

ین هزینه ها این باشگاه می تواندست

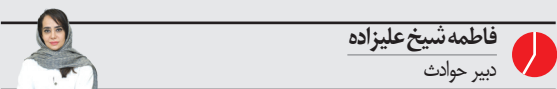
ستاره های امتحان پس داده ای را

جذب کند

حوادث

فرزندان، پدرشان را پای طناب دار می پرند

با کار تم خرید اینترنتی کرد، کشتمش!



فاطمه شیخ علیزاده

دبیر حوادث

رسیدگی به پرونده قتل زن جوان به دست شوهرش از دهم خرداد سال ۱۴۰۱ با گزارش یک درگیری خانوادگی در ورامین آغاز شد. پس از آن مأموران به محل نزاع که خانه ای در قرق چک بود، رفتند و مردی که گزارش درگیری را به مأموران داده بود در توضیح ماجرا گفت: از ساعت ۱۱ شب تا ۳ بامداد، صدای درگیری یکی از همسایه های مان با همسرش ما را از زده خاطر کرد چون فکر کردیم دعوا خانوادگی است، دخالتی نکردیم، اما بعد از دوساعت صدای زن جوان را شنیدیم که از همسایه ها در خواست کمک می کرد و پس از آن به یکباره صدایش قطع شد. از این رو تصمیم گرفتیم پلیس را در جریان قرار دهیم.

در ادامه مأموران به خانه مورد نظر رفتند و ناگهان مرد جوان در حالی که چاقویی در دست داشت و لباس هایش خونی بود در را باز کرد. او با دیدن مأموران گفت: همسر م را کشتم!

تحقیقات ابتدایی

وقتی مأموران وارد خانه شدند، جسد زن جوان را دیدند و با دستور قضایی جسد به پزشکی قانونی منتقل شد. پس از بازداشت مرد جوان، وی به اداره آگاهی منتقل شد و ماجرا را این گونه توضیح داد: لحظه حادثه حال خوبی نداشتم و دلم به شدت درد گرفته بود، از همسرم خواستم یک لیوان آب به من بدهد، اما او توجهی به درخواستم نکرد و من به یکباره عصبانی شدم و با چاقوی آشپزخانه چند ضربه به او زدم. با اظهارات متهم، او صحنه جرم را بازسازی کرد و پرونده پس از تکمیل تحقیقات با صدور کیفرخواست به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

در دادگاه

در ابتدای جلسه پدر و مادر مقتول در خواست قصاص کردند. سپس مادر مقتول به جایگاه رفت و گفت: دخترم ۱۵ سال پیش ازدواج کرد در این مدت هم با همه مشکلات و سختی هایی که دامادم به وجود آورده بود، سوخت و ساخت اما به جای اینکه قدر دخترم را بدانند او را بی رحمانه کشت. من از خون دخترم نمی گذرم.»

این در حالی بود که دو فرزند مقتول نیز تقاضای قصاص پدرشان را مطرح کردند. در ادامه متهم به جایگاه رفت و در حالی که ادعای تازه ای را مطرح می کرد، گفت: آن شب وقتی به خانه برگشتم، دل درد شدیدی داشتم و بلافاصله به اتاق رفتم و خوابیدم، اما صدای پیامک گوشی تلفن همراهم بیدارم کرد و وقتی پیامها را دیدم متوجه شدم همسرم بدون حساب و کتاب در حال خرید اینترنتی از حسابم است. همان موقع از اتاق بیرون آمدم و از او خواستم کارت م را پس بدهد تا به بیمارستان بروم، اما او مقاومت کرد و کارت را پس نداد بسا این حال چیزی نگفتم و به اتاق برگشتم و سعی کردم دوباره بخوابم که در یک لحظه احساس کردم کسی با چاقو بالای سرم ایستاده است، وقتی چشمانم را باز کردم دیدم همسر م می خواهد من را بکشد و همان موقع چاقو را از او گرفتم و چند ضربه زدم. چند دقیقه بعد هم پشیمان شدم اما دیگر فایده ای نداشت.»

قضات دادگاه بعد از مشورت متهم را به قصاص محکوم کردند و رأی صادر شده در دیوانعالی کشور مهر تأیید خورد.

به این ترتیب شمارش مهرتاکوس برای اجرای حکم آغاز شد.

در حالی که ابتدا به نظر می رسید مرگ دختر ۱۶ ساله خودکشی است، فرضیه قتل قوت گرفت

رد پای مادر در قتل دختر و همسر

خانه می آمد یا با دوستانش بیرون می رفت، اما مادرش با این رفتارها مخالفت شدیدی داشت. موضوع دیگر، مسائل مالی و ملکی بود؛ پدر فروش بیش از مرگ، آپارتمانی داشت که به نام مادر شده بود. فروش متعقد بود سهم او این آپارتمان حق مسلمش است و باید به او تعلق می گرفت.

در ادامه تحقیقات، کارآگاهان به دوستان و آشنایان زن جوان مراجعه کردند. یکی از نزدیکان مادر گفت: «شوهر من عطاری دارد و اوایل سال، مادر فروش به نام سمیرا از من خواست که از شوهرم قرص برنج برایش تهیه کنم.» این اظهارات به سرعت فرضیه قتل را تقویت کرد، چرا که نشان می داد مادر دختر نوجوان پیش از این بابت نسبت به جان افراد برنامه ریزی کرده بود.

این فرد در ادامه افزود: «حدود ده سال قبل، همسر سمیرا بر اثر سکته قلبی فوت کرد. اما همان موقع ه سمیرا به من می گفت که شوهرت دارویی سراغ دارد که اگر به شوهرم بدهم، کم کم وی بدشن تأثیر منفی بگذارد و باعث مرگش شود؟طوری که همه فکر کنند او سکته کرده است.»

این اظهارات نشان داد که سمیرا پیشینه ای در ایجاد شرایط مرگبار داشته و ممکن است این بار نیز دست به جنایت زده باشد.

باکنار هم قرار دادن مدارک پزشکی قانونی، اظهارات دوستان و همکاران مادر، بررسی های قضایی و کشف قرص برنج، تیم جنایی به این نتیجه رسید که فروش نه تنها خودکشی نکرده، بلکه به قتل رسیده است. مدارک و شواهد نشان می دادند که مادر دختر نوجوان

با انگیزه های شخصی و مالی اقدام به این جنایت کرده است. به دستور باز پرس شعبه دوم دادرسرای امور جنایی، یاخت، زن جوان بازداشت شد و تحقیقات برای روشن شدن ابعاد کامل پرونده و احتمال دست داشتن او در مرگ همسرش نیز ادامه دارد. سمیرا در مواجهه با شواهد موجود، مدعی شد که برای او باپوش درست شده و در این دو ماجرای گناه است، اما تیم جنایی همچنان بررسی ها را ادامه می دهد تا تمامی زوایای این جنایت خانوادگی آشکار شود.

چوپان اسلامشهری در حاشیه شهر جسد خفه شده زنی جوان را پیدا کرد

راز جسد سوخته زن جوان در بیابان

کارآگاهان پس از کشف جسد، پرونده های افراد مفقود شده را بررسی کردند و مشخص شد که مشخصات جسد با زن ناپدید شده ای به نام مینا شباهت زیادی دارد. از این رو، پلیس از خانواده او خواست برای شناسایی جسد به پزشکی قانونی مراجعه کنند. حضور خانواده در پزشکی قانونی، هویت جسد را تأیید کرد و پرونده وارد مرحله جدیدی شد. به دستور باز پرس شعبه نهم دادرسرای امور جنایی، یاخت، تحقیقات برای شناسایی عامل این جنایت و روشن شدن جزئیات قتل زن تنها در بیابان های اسلامشهر ادامه دارد. کارآگاهان در حال بررسی سرنخه ها و شواهد احتمالی برای یافتن قاتل هستند تا این پرونده هر روز هر چه سریع تر به نتیجه برسد.

زن جوان پس از بررسی های دقیق پلیسی و اعلام نظر به پزشکی قانونی در خصوص مرگ دخترش، به اتهام مظنون به قتل همسر و دخترش بازداشت شد. پرونده ای که ابتدا به نظر می رسید یک خودکشی ساده باشد، با دقت کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت و کنار هم قرار دادن مدارک و شواهد، به جنایتی خانوادگی و پیچیده تبدیل شد. خرداد امسال، دختر ۱۶ ساله ای به نام فروش برای شرکت در امتحانات راهی مدرسه شد، اما ناگهان حالش بد شده و با کمک اورژانس به بیمارستان منتقل شد. پزشکان او را تحت مراقبت ویژه قرار دادند، اما ساعاتی بعد دختر نوجوان جان خود را از دست داد. این اتفاق دلخراش، توجه باز پرس موسی رضازاده را به پرونده جلب کرد و تیم جنایی تحقیقات را برای رازگشایی از ماجرا آغاز کردند.

در تحقیقات اولیه، دوست فروش به کارآگاهان گفت: «روز حادثه، من و فروش با هم به مدرسه رفتیم. او به من گفت که امروز امتحان زیست دارد و خیلی استرس دارد. مادرش به او قرصی داده بود و گفته بود که با خوردن آن استرسش کمتر می شود. اما بعد از خوردن قرص، حالش بد شد. با هم به مدرسه رفتیم، اما هنگام امتحان او حالش وخیم تر شد و وقتی اورژانس آمد، او را به بیمارستان منتقل کردند، اما جانش را از دست داد.»

در حالی که این روایت، تصویری از یک خودکشی ساده ارائه می داد، کارآگاهان به سراغ مادر فروش رفتند. زن جوان در ابتدا مدعی شد که دخترش دچار افسردگی بوده و خودکشی کرده اما باز پرس جنایی با مشکوک بودن ماجرا، جسد دختر نوجوان را به پزشکی قانونی فرستاد تا علت دقیق مرگ مشخص شود. آزمایش های سم شناسی نشان دادند که فروش بر اثر مصرف قرص برنج جان خود را از دست داده است؛ موضوعی که صحت ادعای مادر را زیر سوال برد.

ادامه تحقیقات

تحقیقات بیشتر نشان داد که فروش واقعاً دچار افسردگی نبوده و امید به زندگی داشته است. بررسی ها حاکی از آن بود که مادر و دختر اختلافات شدیدی باهم داشتند. یکی از مهم ترین دلایل این اختلافات، تفاوت سلیقه و عقاید بود؛ فروش گاهی اوقات دیر به از جسد زنی تنها چند روز پس از ناپدید شدنش در بیابان های اطراف اسلامشهر کشف شد و راز گم شدن او حالا در دستور کار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی یاخت قرار گرفته است. چند روز قبل، مرد جوانی با اضطراب و نگرانی به کلانتری مراجعه کرد و از ناپدید شدن خواهر ۴۰ ساله اش خبر داد. او گفت که خواهرش به تنهایی زندگی می کند و معمولاً هر چند روز یک بار با او تماس می گرفته است. اما چند روزی از آخرین تماس می گذشت و هیچ خبری از او نبود. مرد جوان ادامه داد که وقتی به مقابل خانه خواهرش رفته، در بسته بوده و همسایه ها نیز تأیید کرده اند که از چند روز قبل کسی او را ندیده است.

با ثبت شکایت و اعلام مفقودی، تحقیقات پلیسی آغاز

